

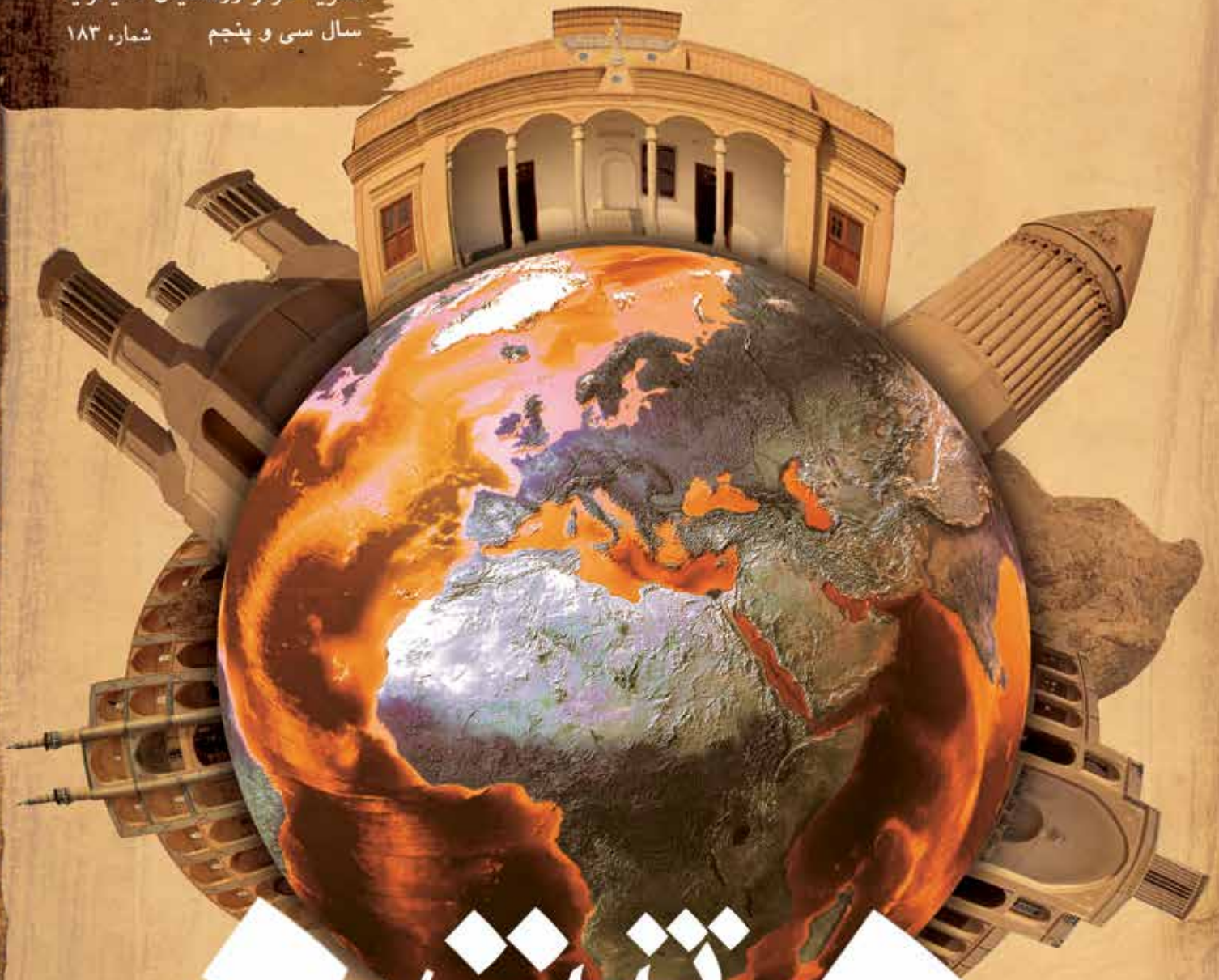
چهره‌ها نما

Chehreh Nama

پاییز ۳۷۵۵ زرتشتی ۱۳۹۶ خورشیدی

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

سال سی و پنجم شماره ۱۸۳



پیرا تبتیهای



کسی که یکی از طرفداران راستی را خشنود سازد، خواه انکس خویش یا بیگانه باشد، یا اینکه یکی از بندگان نیک خدا را یاری دهد، چنین کسی از آرامش و شادی روان و منش پاک برخوردار خواهد بود.
سنا هات ۳۳ بند ۳

به بینش اشوزرتشت،
بهشت و دوزخ مرتوگان (انسان)
در همین جهان و با اراده او روی خواهد داد.
آرامش و شادی روان پاسخ نیکوکاری،
رنج و افسردگی وجدان، سزای بدکرداری است.
پاداش و کیفر در زندگی، نتیجه کردار ماست.

هموندان و خوانندگان گرامی،
گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا همزمانی فرا رسیدن جشن مهرگان و شروع سال تحصیلی جدید را به تمام همکیشان محترم شادباش می گوید. فصل مهر و شروع مدارس به احترام جشن مهرگان بوده که در برخی از نوشته ها (متون فرهنگی) آن را جشن فرهنگی مهرگان هم نامیده اند و فلسفه جشن مهرگان سپاسگزاری از خداوند به خاطر نعمت هایی است که به انسان داده و همچنین استوار کردن دوستی ها و مهرورزی میان انسان ها می باشد.
گروه مدیران از تمامی مربیان و آموزگاران (گروه آموزش) که در گسترش فرهنگ پر بار زرتشتی و ایرانی و آموزش دین و اخلاق زرتشتی به نوجوانان و جوانان ما کوشا هستند قدر دانی می نماید و همچنین تمام امکانات مرکز را در حد امکان در اختیار نوجوانان و جوانان زرتشتی که مهمترین سرمایه های جامعه ما می باشند قرار می دهد. باشد که امسال هم مانند سالهای گذشته و حتی بهتر شاهد حضور پرانرژی و شاداب و جستجوگر فرزندانمان در مرکز باشیم.

همازور بیم همازور هما اشو بیم
گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

بر گیری از نوشته های چهره نما با چاپ نام نویسنده و نشانی تارنما آزاد می باشد.
چهره نما در گزینش و ویرایش نوشته های رسیده آزاد است و نوشتارهای رسیده باز گردانده نمی شود.
دیدگاه های بازتاب شده در نوشته ها همیشه گویای دیدگاه های انجمن دبیران چهره نما نمی باشد.
چهره نمای مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، نشریه ایست دینی، اجتماعی، تاریخی، ادبی و فرهنگی که به هیچ دسته و گروه سیاسی بستگی ندارد.

Trust of Morvarid Guiv
1037 S. Bedford St. #3
Los Angeles, CA 90035

زیر نگر گروه دبیران
گرافیک، رایانه و صفحه آرا: کوبین یکتاهی
تایپ: شبنم پاک سرشت
اینترنت: رامین شهریاری



پیشینه و تاریخ ایران باستان یادآور این نکته است که ایرانیان در گذشت تاریخ چند هزارساله ی خویش، در هیچ دوره ای بت پرست نبوده و مفتخرند که نخستین دین یکتاپرستی (توحیدی) از این سرزمین برخاسته است. در ایران باستان، پیش از پیامبری شت اشوزرتشت، برای پدیده های طبیعت و فروزه های مینوی، خدایانی را پنداشته و برایشان قربانی می کردند تا خشنودشان نموده و بدین سان از بروز بلاهای طبیعی جلوگیری کنند. اما پس از به پیامبری رسیدن و خورشور ایران زمین، قربانی برای خدایان نهی و کاری ناپسند شمرده شد و این پدیده ها و فروزه ها تاریخ ی ایزد (ستودنی) پایین آمدند.

زیرا که اشوزرتشت بر این باور بود که تنها پروردگار یکتا، اهورامزدا، (آفریدگار) هستی بخش بزرگ داناست. اهورامزدایی که حکیم توس تحت تاثیر اندیشه های اشوزرتشت از او بدینسان یاد می کند به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

شاید به همین خاطر باشد که زرتشتیان را مزدیسنی یا پرستش گران مزدان نیز می خوانند. پرستش خداوند یکتا در طول تاریخ زرتشتیان هرگز قابل شک نبوده مگر به دستگیری دشمنان و نا آگاهان، چرا که این بن مایه ی غیر قابل انکار در سرتاسر اوستا پی در پی به گونه های متفاوت و زیبا بیان می شود. حتا پادشاهان دوره های پیش از اسلام نیز همواره سعی می کردند عظمت و نیروی خویش را که برگرفته از قدرت اهورامزدا می پنداشته اند در کتیبه های خویش نشان دهند. بنابراین تمامی نمازهای به پا داشته توسط زرتشتیان، برای خدای یکتاست. و از آنجایی که پروردگار یکتا نام ها و فروزه های بی کران و بس بزرگی دارد که قابل ستایش و نیایش است، زرتشتیان به زیبایی هر یک را در نمازهای خویش بر شمرده و سپاس اهورامزدا را به جا می آورند.

اهورامزدا، خدای زرتشت، پس از آفرینش انسان، از فروزه های اهورایی خویش به او بخشید و خواست که همکارش باشد و سپس به آدمی آزادی گزینش (ورنا) داد تا از میان سپنتامینو و انگره مینو که در آغاز آفرینش در اندیشه و گفتار و کردار تجلی می کنند تنها یکی را برگزیند. اشوزرتشت در اهنودگات یسنای ۳۰ بند ۳ می فرماید: آن دو نیروی همزادی که در آغاز در اندیشه ی آدمی پدیدار شدند، یکی سپنتامینو یعنی نیکی در اندیشه و گفتار و کردار و دیگری انگره مینو یعنی بدی در اندیشه و گفتار و کردار است. از میان این دو، دانا نیکی را بر می گزیند و نادان بدی را. واژه ی انگره مینو به مرور زمان و در اوستاهای متاخر به صورت اهریمن در آمده که بنابر باور زرتشتیان همواره در من و اندیشه ی آدمی پدیدار می شود و یکی از دو گزینه ای است که همواره در پیش روی آدمی قرار دارد و هر فرد زرتشتی به کمک نیروی دانایی و خرد خویش و با احترام به آزادی گزینش در این دین یکی را بر می گزیند. بدین سان دانا یان برای خشنودی پروردگار یکتا سپنتامین (منش سپندینه) را بر اهریمن ترجیح داده و بر می گزیند (یسنای ۳۰ بند ۵) و اما نادان بعلت ضعف تشخیص خویش، زشتترین اندیشه (اهریمن) را برگزیده و به سوی خشم و زور روی می آورد و بدین گونه زندگی آدمیان را به تباهی می کشاند (یسنای ۳۰ بند ۶) بدین سان پادافره (پاداش و یا کیفر) اندیشه، گفتار و کردار هر فرد بازتاب گزینش اوست و میوه ی این گزینش نیز مینوی (معنوی) است همانگونه که اشوزرتشت در یسنای ۳۰ بند ۴ می فرماید: هنگامی که این دو نیرو به هم رسیدند، هستی و نیستی پدیدار شد و تا هستی برقرار است بدترین زندگی و وضع روانی بهره ی پیروان بدی و بهترین زندگی و خوشبختی پاداش پیروان نیکی است. چکیده آنکه گرچه این گفتار همانند صفحه ای شکسته تکرار پاسخ به اتهاماتی است که از دیرباز تاکنون به تمدن و فرهنگی بس شگرف و پیشرفته صورت گرفته است، اما شوربختانه هر از گاهی نشر ناراستی ها از برخی رسانه ها، دل فریختگان را به درد آورده و سبب رنجش و ویرانی می گردد. باشد که از جمله کسانی باشیم که این جهان را آباد می گردانند

ایدون باد، ایدون ترح باد
موید دکتر اردشیر بهی

دکتر شتی طیبر شاهچاهی پور

ای وطن ای مادر تاریخ ساز
ای کویر تو بهشت جان من
ای ز تو هستی گرفته ریشه ام
آرشی داری به تیر انداختن
کاوه آهنگری ضحاک کش
رختی و رستم بر او پا در رکاب
مرزداران دلیرت جان به کف
خون به دل کردند دشت و نهر را
ای وطن ای مادر ایران من
خانه من بانه من توس من
ای دریغ از تو که ویران بینمت
خاک تو گر نیست جان من مباد
ای مرا بر خاک تو روی نیاز
عشق جاویدان من ایران من
نیست جز اندیشه ات اندیشه ام
دست بهرامی به شیر انداختن
پتک دشمن افکنی ناپاک کش
تا نبیند دشمنت هرگز به خواب
سرفرازان سپاهت صف به صف
باز گرداندند خرمشهر را
مادر اجداد و فرزندان من
هر وجب از خاک تو ناموس من
بیشه را خالی ز شیران بینمت
زنده در این بوم و بر یک تن مباد

برد جهانی

آریا جوانمردی

که بافت تاریخی را ناهمگون کرده بود. همچنین طی دستورالعملی که سازمان مهندسی شهر یزد صادر کرده است آموزش ساخت ساختمان با خشت به سازندگان آموزش داده می‌شود. بافت یک پارچه و بدون تغییر یزد که در عکس‌های هوایی به چشم می‌آید باعث شد تا ارزیاب‌های یونسکو معماری و هنر ایرانی را شایسته‌ی قرار گرفتن در میان یکی از شش شهر جهانی بدانند. ویژگی دیگر بافت تاریخی یزد وجود زندگی عادی مردم در خانه‌های قدیمی آن است، امتیازی که این شهر را از دیگر شهرهای تاریخی جهان متمایز می‌کند.

چه اماکن زرتشتی در بخش ثبت جهانی قرار دارد؟

بخشی عمده‌ای از بناهای تاریخی یزد مربوط به زرتشتیان این شهر است در

توسعه یافته‌اند و گروه پایانی شهرهای مدرن ساخته شده در قرن بیستم هستند که ساختار شهری اولیه خود را حفظ کرده‌اند و توسعه آن‌ها تا حدود زیادی غیرقابل کنترل است.

شهر یزد از جمله شهرهای گروه دوم است که به عنوان ششمین شهر تاریخی جهان به ثبت رسیده است. در سیستم امتیاز دهی یونسکو شهرهای مسکونی که ثبت جهانی می‌شوند می‌بایست دارای بخش‌ها یا نواحی مجزایی باشند که به صورت بقایایی از حالات اولیه و اصلی خود، نشان‌دهنده‌ی مدرکی درباره‌ی هویت تاریخی شهر ناپدید شده‌ی پیشین هستند. شهر یزد و بخش قدیمی آن که شامل بخش‌های مهمی از محله‌ی زرتشتیان یزد هم هست، با ثبت در این فهرست از بسیاری خطرهای مصون شده‌اند. قوانین ثبت در یونسکو حریم‌هایی برای هر منطقه یا اثر ثبت شده به وجود می‌آورد که در آن گستره هر ساخت و سازی که شکل طبیعی آنجا را تغییر داده یا حتی منظره‌اش را عوض کند، باعث ارسال اخطار به دولت آن کشور می‌شود. بنابر این قوانین، هر نوع ساختمان سازی، راه سازی، ایجاد جاده‌ی جدید یا حتی نصب تجهیزات اضافه‌ی موقت هم باید طبق شرایط و قوانین خاصی صورت بگیرد. بر همین اساس، نصب داربست‌های موقت هم شرایط خاص خودش را دارد که باید آن را رعایت کرد.

چه اماکنی از ایران ثبت جهانی شده‌اند؟

نخستین بناهای ایرانی که به ثبت جهانی رسیدند تخت جمشید (پرسپولیس)، معبد چغازنبیل و میدان نقش جهان اصفهان بودند که در سال ۱۳۵۸ خورشیدی به ثبت یونسکو رسیدند. پس از وقفه‌ای ۲۵ ساله، یک سال پس از زلزله‌ی بم، این شهر و ارگ آن در فهرست آثار در خطر قرار گرفت. بازار تبریز، کاخ گلستان و شهر سوخته دیگر اماکن ایران بودند که جهانی شدند. اما در یک سال گذشته کویر لوت به عنوان میراث طبیعی به ثبت جهانی رسید و قنات ایرانی نیز دیگر ثبت شده‌ی یونسکو بود. از دیگر بناهای مهم ثبت شده‌ی ایرانی می‌توان گنبد سلطانیه، بیستون، کلیساهای آذربایجان، سازه‌ی آبی شوشتر، بازار تاریخی تبریز، آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، باغ ایرانی، برج گنبد قابوس، تخت سلیمان، شهر سوخته، میمند و شوش را نام برد.

یزد چگونه به ثبت جهانی رسید؟

تلاش‌ها برای ثبت یزد به عنوان شهری جهانی نزدیک به ۱۰ سال ادامه داشت. نخست ۷۰۰ هکتار از بافت تاریخی این شهر به ثبت ملی رسید. در روزهای نخست تشکیل پرونده، قرار بر این بود تا ۱۰۰ هکتار از بافت تاریخی یزد برای ثبت جهانی شدن به یونسکو پیشنهاد شود اما پس از بازبینی طرح این میزان از بافت تاریخی به ۱۵۰ و ۲۰۰ هکتار افزایش پیدا کرد و پرونده نهایی بر اساس عرصه ۲۰۰ هکتاری به یونسکو ارائه شد. پرونده‌ی ثبت یزد پیش از این به سازمان یونسکو ارائه شده بود اما یکی از ایرادهای کارشناسان این سازمان درباره‌ی سازه‌ی بتونی ساخته شده در محله‌ی زرتشتیان یزد بود

هجدهم تیرماه ۱۳۹۶ بود که خبر ثبت جهانی یزد بازتاب زیادی در میان مردم ایران داشت. در چهل و یکمین اجلاس یونسکو در کراکوف لهستان شهر تاریخی یزد به عنوان یکی از نامزدهای ایران برای جهانی شدن مطرح شد. یکی از مهمترین و تاریخی‌ترین شهرهای ایران توانست با ۱۵ رای به عنوان نخستین شهر تاریخی و بیست و دومین اثر جهانی ایران در فهرست یونسکو به ثبت برسد. ایران با ۲۲ اثر ثبت شده در یونسکو در میان کشورهای خاورمیانه جایگاه نخست را داراست و در سطح جهانی نیز یازدهم است.

ثبت این شهر از همان روزهای نخست سوال‌های بسیاری را در ذهن اهالی شهر ایجاد کرد. چه بخش‌هایی از شهر در این فهرست ثبت شده بودند و با به وجود آمدن شرایط تازه چه قوانین تازه‌ای به وجود آمده و اهالی شهر مجبور به رعایت آن می‌شدند؟ آیا خانه‌ها قابل فروش هستند؟ اگر کسی بخواهد در خانه یا زمینش تغییری ایجاد کند، تا چه حدی مجاز خواهد بود؟ آیا قیمت زمین و خانه تغییر می‌کند؟ در این گزارش به چنین سوالاتی پاسخ داده‌ایم.

چه شهرهایی می‌توانند ثبت جهانی شوند؟

بنابر قوانین یونسکو سه گونه از شهرها توانایی ثبت شدن به عنوان میراث جهانی را دارند. گروه نخست شهرهایی هستند که اکنون مسکونی نیستند ولی مدارک باستان‌شناسی که دستخوش تغییر نشده، نشان‌دهنده‌ی گذشته آنهاست. گروه دوم شهرهای مسکونی است که به خاطر طبیعت خود با تأثیرپذیری از تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی





ساختمان های خود کنند موردی که البته در شهرهایی مانند یزد کمتر رخ می دهد زیرا بهای زمین به مانند تهران گران نیست. البته با ثبت شدن بافت تاریخی یزد در فهرست یونسکو عملاً امکان «تغییر» در این بافت وجود ندارد. بخشی از این تغییر شامل تخریب خانه های داخل بافت ثبت شده هم می شود. هر نوع ساخت و ساخت در این خانه ها - به خصوص اگر جنبه ی تغییر کاربری یا شمایل کلی خانه را داشته باشد - برای مثال تبدیل خانه به یک شرکت تجاری یا ساخت اتاقک بر بالای بام - مجاز نیست.

از سوی دیگر خارج کردن خانه ای از ثبت ملی بافت تاریخی به سادگی نیست زیرا مالک باید اثبات کند که بنا شرایط ثبت ملی را ندارد و پیش از دوره ی پهلوی دوم ساخته نشده است. مالکان با استناد به این که خانه ی ساخته شده در زمان زندیه نیست اقدام به خارج کردن از ثبت ملی می کنند. این مورد در بافت تاریخی یزد به مانند دیگر شهرها جوابگو نیست زیرا پس از ثبت بخشی از شهر به عنوان بافت تاریخی تمامی خانه های آن مشمول قانون شده و مورد استثنایی وجود نخواهد داشت.

به گفته ی فاطمه دانش یزدی مدیرکل سازمان میراث فرهنگی شهر یزد این سازمان تلاش های خود را جلب رضایت مالکان خانه های تاریخی یزد انجام است در گام نخست تسهیلات ۲۵ میلیون تومانی بلاعوض برای مالکان این خانه ها در نظر گرفته اند. از سوی دیگر معاون سازمان میراث فرهنگی نیز خبر اعطای تسهیلات تا سقف یک میلیارد تومان برای راه اندازی خانه های بوم گردی داده است.

شده ی جهانی باید پیش شود و گزارش آن در اختیار یونسکو و مراکز تصمیم گیر قرار بگیرد. یزد پس از ثبت جهانی دارای حقوق جهانی است یعنی اگر این شهر تاریخی در جنگ یا بلایای طبیعی دچار آسیب شود، کشورهای عضو یونسکو متعهد به جبران خسارت ها هستند.

از جمله ویژگی های ثبت جهانی یزد افزایش میزان گردشگران خارجی است به گونه ای تعداد گردشگران داخلی و خارجی در یک سال گذشته از ۴۴۸ هزار به ۵۶۲ هزار نفر رسیده است. شهر یزد اکنون بزرگترین شهر تاریخی ثبت شده ی جهان است و فضا را برای کمپ های گردشگری هوایی و کویری، راه اندازی هتل های چهار و پنج ستاره و خانه های بوم گردی ایجاد می کند.

یکی از راه کارها برای مراقبت از بخش های ثبت شده تعیین حریم است. بنابر گزارش سازمان میراث فرهنگی ۷۴۲ هکتار از شهر یزد بافت تاریخی است که از این مقدار ۲۰۰ هکتار ثبت جهانی شده است و نزدیک به پنج هزار هکتار حریم دارد. در این تعریف منظور از حریم این است که در پنج هزار هکتار اطراف بافت تاریخی ثبت شده فعالیت های مخرب امکان انجام نمی شود.

به گفته ی کارشناسان بازسازی و مرمت خانه ها و اماکن تاریخی واقع در بافت تاریخی یزد کمک شایانی به بالا بردن ارزش آن ها خواهد داشت به طوری که با دریافت پلاک ثبت امکان جذب گردشگر را دارا هستند. برای نمونه اگر در دل بافت تاریخی بنایی به مانند میدان نقش جهان اصفهان و یا کاخ گلستان تهران که قابل بازدید عموم باشد، امکان بلیت فروشی هست، اما در حالت کلی بلیت فروشی برای گردشگران انجام نمی شود. قانون درباره ی خانه های تاریخی ثبت ملی چه می گوید؟

خانه هایی که در بافت تاریخی یزد قرار گرفته اند مشمول قانون ثبت آثار ملی ایران قرار می گیرند. این قانون در سال ۱۳۱۹ خورشیدی به تصویب رسیده است و به گفته ی کارشناسان نیازمند بازنگری و به روزرسانی است. در این قانون آمده است که تمامی خانه هایی که تا پایان دوره ی زندیه ساخته شده اند به عنوان آثار ملی به حساب آمده و تحت حفاظت و نظارت دولت خواهند بود. بر اساس این قانون کلیه ی اقدامات مالک ساختمان میبایست با اطلاع سازمان میراث فرهنگی باشد و ساخت و ساز و تغییر در بنا غیرقانونی است.

بنابر قانون مصوب هرگاه مالک بخواهد ملک خود را بفروشد میبایست موضوع را با دولت در میان بگذارد تا اگر دولت خواهان خرید آن باشد اقدام کند در غیر این صورت مالک می تواند ملک را به خریدار دیگری بفروشد.

در این میان برخی از مالکان خانه هایی که در بافت تاریخی واقع شده است در تلاش هستند تا خانه ی خود را از بافت تاریخی خارج کنند. دلیل شان این است که سازمان میراث فرهنگی برای حفظ و نگهداری خانه تلاشی از خود نشان نداده است. از طرفی مالکان این ساختمان ها بهره ی مالی کافی از این بناها نبرده اند زیرا این گونه بناها بیشتر دارای ارزش تاریخی است و امکان سکونت ندارد. افزایش بهای زمین نیز از سوی دیگر باعث شده است تا مالکان اقدام به تخریب

سال های دور ساخته شده است. ۱۵ هکتار از مساحت جهانی ثبت شده متعلق به ساختمان های زرتشتیان است. برای نمونه محله ی زرتشتیان یزد که به اختصار «مطه» نامیده می شود به طور کلی در بخش ثبت جهانی قرار دارد که شامل آتشکده و آب انبار ارباب رستم گیو می شود. از دیگر بناهای زرتشتی واقع شده در بافت تاریخی یزد می توان دبستان دینیاری، تالار کیخسروی، پیر مسترخدا بخش، دبیرخانه ی انجمن زرتشتیان یزد، مدرسه ی مارکار و مسافرخانه ی شاهجهان را نام برد.

ثبت جهانی یزد چه اثراتی دارد؟
«پس از ثبت جهانی چه اتفاقی رخ می دهد؟» این پرسشی است که بسیاری پس از این رخداد بزرگ انجام داده اند. به گفته ی کارشناسان اثر ثبت



تعمیرات و بازسازی خانه‌های روستایی در استان یزد پروژه کارپیری در استان یزد

اشکان خسروی



با کاه گل یا خشت و گل درست می‌شود یا پایه هایش چوبی است، حتماً دلیلی دارد و لزومی هم ندارد که همه ی اینها را تغییر بدهیم.» آنها برای این که خان هشان امروزی تر شود و ایمن هم باشد، چند تغییر کوچک درون آن ایجاد کردند. این طوری هم هزینه ی تزیینات خانه کمتر شد، هم این که در آینده هزینه ی کمتری بابت حامل های انرژی پرداخت می‌کنند. به گفته ی رامتین، «چون این خانه های قدیمی به نوعی از سیستم گرمایش و سرمایش خاص مجهز شده‌اند که اگر ترکیب شان را عوض کنی، از کار می‌افتند و فقط خرج روی دستت می‌گذارند.

این طور که آقای شهرت می‌گوید، بازسازی خانه تنها به چند مورد خاص محدود شده است: «چند اتاق نزدیک در ورودی خانه برای ساخت سرویس بهداشتی و حمام استفاده شد. چند در دیوارکشی شد و هیزم دان مطبخ هم حذف شد تا فضای جدید بیشتر شبیه به آشپزخانه باشد. به جز این ها یک در ایمن و خوب هم برای ورودی خانه گذاشتیم که وقتی در سفر هستیم، ایمنی مان حفظ شود.

به شرایط جغرافیایی دقت کردیم خانه ی خدارحم یا «نارتیتی» در یک منطقه ی کویری واقع شده که به چند منطقه ی دیدنی و خاص در کویر، مثل سرو ابرکوه و زیارتگاه چک چک نزدیک است. «خانه ی پدر بزرگ به طور تصادفی در جایی قرار گرفته بود که به چند مرکز خاص نزدیک بود. این یکی از مزیت های رقابتی ما نسبت به بقیه بود که از آن استفاده کردیم. ما به کسانی که مهمان مان بشوند، بهترین راه بازدید از مراکز خاص و خوب یزد را نشان می‌دهیم و هزینه شان را پایین می‌آوریم.

برنامه ریزی برای آدم های خاص هزینه ی اقامت در خانه ی نارتیتی از هتل ها یا اقامت گاه های دیگر پایین تر است و اتاق های این خانه ی قدیمی از هتل ها بزرگتر. همین دو مزیت باعث شده که مشتری های خاصی سراغ خانه ی «نارتیتی» را بگیرند. آنها

خانه ی بوم گردی یک خانه ی کاملاً معمولی روستایی با امکاناتی ساده است اما نوآوری خاصی که باعث شده تا «نارتیتی» نسبت به بقیه ی رقبایش در شهر یا نقاط دیگر کشور حرفی برای گفتن داشته باشد، استفاده اش از امکانات ساده ای مثل درختان باغ یا مطبخ (آشپزخانه) کوچک آن است.

آنها چطور توانسته اند تهدیدی به نام یک خانه ی قدیمی، نیمه مخروبه و از کار افتاده را به فرصتی برای درآمدزایی و زندگی تبدیل کنند؟ این گزارش را از دست ندهید.

درآمدزایی از خانه خدارحم

بوم گردی نارتیتی یک خانه ی خیلی قدیمی در شهر تفت یزد است. مردم محلی اینجا را به اسم صاحب اصلی اش خدارحم می‌شناسند. اینجا مثل بسیاری از خانه های بوم گردی و برخلاف خیلی از سازه های قدیمی که تبدیل به هتل یا مهمانسرا شده‌اند، هیچ شباهتی به خانه های اشرافی قدیمی ندارد. خانه های مهمان سرا شده، معمولاً املاک اشرافی بوده‌اند که متعلق به آدم های شناخته شده ی عصر بوده اما این خانه ی قدیمی یک خانه ی خیلی معمولی است که برای اقامت مهمانان آماده شده است. این خانه ۷ اتاق دارد که ۶ تا از این اتاق ها برای پذیرایی از مهمان آماده شده و یک اتاق هم مخصوص اقامت صاحب خانه است.

ایده بازسازی خانه متروکه

ایده ی تبدیل خانه به یک محل که هم پذیرای گردشگران تازه وارد باشد، هم انتظارات آنها را برآورده کند، از حدود ۳ سال پیش و دقیقاً از روزهایی که رامتین شهرت و همسرش تینا نامزد بودند به سرشان زد. آنها از اول هم قرار نبود این خانه را خراب کنند و به جایش برج بسازند اما ایده ی ساختن یک مهمانسرا حرف تازه ای بود که تا به حال معمولاً سرمایه گذاران بزرگ و باتجربه به سراغ آن رفته بودند. چالش تازه ی دیگری که آقای شهرت و همسرشان باید با آن روبه رو می‌شدند، زندگی کردن در آن خانه ی خاص بود. آنها برخلاف بقیه ی خانه های هتل شده، می‌خواستند در خانه ی صد ساله زندگی کنند. برای همین باید آن را طوری می‌ساختند که برای زندگی روزمره ی آنها مقاوم و مناسب باشد. بخشی از خانه باید برای هماهنگ شدن با همین نیاز تغییر می‌کرد و هزینه کردن برای آن واجب بود اما بخش عمده ی خانه نیازی به تغییر نداشت. رامتین شهرت می‌گوید: «حسن خانه های کویری در این است که برای زندگی در کویر آماده شده‌اند. اگر قرار باشد این خانه ها را به سلیقه ی شهری ترین کنیم، دیگر خانه ی کویری نیستند. اگر خانه ی کویری

خانه های چند صد ساله و قدیمی همیشه برای آن هایی که پی یک ثروت بادآورده و بی زحمت هستند، یک اسطوره ی بی همتاست. ساختمان سازه های حرفه ای - همان ها که نام محترمانه شان انبوه ساز مسکن است - هم گروه دیگری هستند که همیشه در کمین این خان ها نشسته اند. خانه هایی که به خاطر قدیمی بودن شان، با این تصور که کارایی خاصی ندارند، معمولاً به نصف قیمت یا حتی ارزان تر فروخته شده و به باد می‌روند.

ثبت یزد در فهرست یونسکو باعث شده تا از نظر قانونی محدودیت هایی برای مالکان ساختمان ها پیش بیاید. از جمله ی آنها محدودیت خرید و فروش یا ساخت و ساز است. یکی از راه هایی که این افراد می‌توانند با تبدیل شدن یزد به یک شهر تاریخی از آن سود ببرند، تبدیل خانه به یک «اکولوژ» یا بوم گردی است. این، همان کاری است که رامتین شهرت و تینا نمیرانیان، زوج جوان زرتشتی آن را انجام داده و اکنون نیز بسیار موفق هستند. تا جایی که خانه ی نارتیتی، بوم گردی قدیمی و محبوب آنها در جاهای معتبری مثل «تربپ ادوایزر» نیز معرفی شده است.

رامتین که لیسانس گردشگری دارد، همراه با همسرش با نوسازی خانه ی صد ساله ی پدر بزرگشان در شهرستان تفت در استان یزد، آنجا را به محلی برای پذیرایی از مهمان ها تبدیل کرده‌اند. این

دنبال گروه های گردشگری یا خانواد ه های بی دردسری هستند که دلشان می خواهد با بودجه ی کم مسافرت کنند. یکی دیگر از کارهایی که هم از طرفی هزینه ی آنها را پایین آورده و از طرفی دیگر مشتری های خاص را به طرف اینجا کشانده، نوع خاص چینش اتاق هاست. «اینجا درست مثل خانه های قدیمی می ماند. به جای تخت خواب، رخت خواب دارد که آن هم در گوشه ای از اتاق قرار داده شده، در زمان خواب پایین آورده می شود و صبح هم هرکس که رویش خوابیده باید آن را جمع کند.» با این روش آنها در هزینه ی سرویس خواب صرفه جویی کرده و در عین حال یک چیز خاص آفریده اند.

خانه ی خدارحم تا قبل از این که «نارتیتی» شود، برای حدود ۱۰ سال غیرمسکونی بود و کسی در آن زندگی نمی کرد اما بعد از ازدواج رامتین شهرت و همسرشان تینا نمیرانیان، آنها که سالها در تهران زندگی و کار می کردند، به فکر احیای اینجا افتادند. این روح جوان، هر دو در تهران دانشجو بودند. به همین دلیل، روند بازسازی خانه بیشتر از آنچه انتظارش می رفت طول کشید. بازسازی کل خانه نزدیک به ۱۸



دیگری، راه اندازی یک سایت اینترنتی کم هزینه برای جذب مشتری. «ما به عنوان اولین قدم از دوستانمان خواستیم تا به آشنایانشان درباره ی ما توضیح دهند تا اگر کسی دلش می خواهد روستاهای اطراف یزد و دیدنی هایش را ببیند، از کمک ما استفاده کند. راه بعدی هم استفاده از تبلیغات مجازی در اینترنت بود. راه اندازی سایت اینترنتی کار چندان دشواری نیست و هزینه ی زیادی هم ندارد اما بازدهی آن زیاد است. تبلیغات کاغذی و چاپ بروشور را هم کنار گذاشتیم چون هم هزینه بر بود، هم چندان با اصول حفظ محیط زیست همخوانی نداشت. ضمن این که معلوم نبود بازدهی لازم را برای ما داشته باشد.»

ماه زمان برد و ۱۰۰ میلیون تومان هم برای آن هزینه شد که خانواده های دو طرف برای فراهم کردن آن کمک کردند.

نقش رنگ ها در دکور خانه ی «نارتیتی» جدی و مهم است. رنگ ها آن قدر زیاد نیستند که توی ذوق بزنند اما همه شان تم قدیمی دارند، درست انگار در خانه ی یک پدربزرگ قدیمی در یک روستای کوچی با گذاشته باشید. ایده ی اصلی رامتین و تینا برای انتخاب رنگ ها، انتخاب طیف رنگ هایی بوده که می دانستند صاحب اصلی خانه، یعنی «آقا خدارحم» به آن علاقه داشته است.

از آن جایی که پدربزرگ رنگ آبی را دوست داشته، رنگ درها آبی است.

هتل بدون تخت خواب

نارتیتی ۶ اتاق بزرگ دارد و به خاطر نداشتن «تخت خواب» یا اتاق مجزا مفهوم چند تخته بودن یا چند خوابه بودن با آن میانه ای ندارد. به همین خاطر هزینه ی اقامت به ازای هر نفر برای یک شب ۵۰ هزار تومان است که شامل اقامت و صبحانه است. مربای صبحانه را خود زن و شوهر با هم درست کرده اند و نان هم در خانه پخته می شود. ضمن این که خود مهمانان هم اگر دلشان بخواهد می توانند در پختن نان یا آماده کردن صبحانه مشارکت کنند. آقای شهرت می گوید: «با قیمت های فعلی می توانید امیدوار باشید که سرمایه ی اولیه تان حدود ۲ سال و نیم بعد برگردد. ضمن این که، اگر کار گردشگری اینجا را فراموش کنیم، باز هم زندگی در اینجا کاملاً به صرفه است چون نیازی نیست که در این مدت هزینه ای بابت اجاره خانه یا مواردی شبیه به آن پردازیم.»

خودمان آش می پزیم

اینجا قرار است یک خانه با آشپزخانه ای معمولی باشد، جایی که قدیمی ها به آن مطبخ می گفتند و بوی آش های خوشمزه و شولی های محشر همیشه از درونش بیرون می آمد. در این خانه هم آشپزخانه وجود دارد اما فقط یک خوراک در آنجا پخته می شود. آقای شهرت می گوید: «همسر روزی یک نوع خوراک را بنابر تعداد مهمان پخته و برایشان سرو می کند. اینجا همه مهمان ما هستند و قرار است به آنها خوش بگذرد. در ضمن چون قرار است یک سری خوراک محلی و خاص به آنها ارایه کنیم، همسر ترجیح می دهد خودش آشپزی کند.»

مشتری مداری آنلاین

این زوج جوان تازه کار بودند و بخش زیادی از بودجه ی بازسازی و تجهیز خانه «نارتیتی» را هم با کمک خانواده هایشان فراهم کرده بودند. آنها برای این که بتوانند مشتری جذب کنند، به دوروش متوسل شدند. یکی کمک گرفتن از دوستانشان بود و

وسایل قدیمی را دور نریختیم نارتیتی یک خانه ی قدیمی صد ساله در تفت یزد است که تا به حال سه نسل از زرتشتیان اهل روستای تفت یزد در آن زندگی کرده اند. رامتین و همسرش چهارمین نسل خانواده ای هستند که در «نارتیتی» زندگی می کنند. به خاطر قدمت نسبتاً زیاد خانه در اینجا وسایل قدیمی زیادی پیدا شده اند. معمولاً خیلی از ما این وسایل قدیمی را دور می ریزیم و به جایشان چیزهای جدیدتری که مد روز باشند، می خریم اما آقای شهرت و همسرشان این کار را نکردند. «کلا عادت نداشتیم چیزی را دور بریزیم چون یک ضرب المثل داریم که می گوید، هر چیزی که خار آید، یک روز به کار آید. عمل کردن به این ضرب المثل به کارمان آمد. خیلی از وسایل خانه که ممکن است ارزش مادی چندانی هم نداشته باشند را نگه داشته ایم چون روح کویری خانه را بهتر نشان می دهد. مثلاً قدیمی ها برای این که خوراکی هایشان را گربه و جانوران جویده نخورند، آنها را روی یک صفحه ی چوبی گذاشته و به سقف آویزان می کردند. ما اینجا گربه نداریم اما این صفحه ی چوبی را نگه داشته ایم و بعضی وسایلمان را روی آن می گذاریم. بقیه ی تجهیزات قدیمی خانه را هم نگه داشته ایم و از بعضی شان استفاده می کنیم.»

صد میلیون هزینه، ۱۸ ماه وقت

نوآوری خاص در نارتیتی: گشت و گذار در خانه!

یکی از راه های جذب مشتری برای این زوج جوان استفاده از جذابیت های همین خانه ی قدیمی بوده است. آنها در حال حاضر یک پکیج سه روزه به مشتری هایشان ارایه می دهند تا آنها بتوانند با خیال راحت به دیدن روستاهای اطراف و محل های دیدنی اطراف شهر تفت بروند. یکی از راهکاری مهم این دو نفر برای جذب مشتری و کسب درآمد، در عین حال که به مذاق مشتری هم خوش بیاید، استفاده از امکانات داخلی خود خانه به عنوان جاذبه است. یکی از پکیج های تور که آقای شهرت و همسرشان ارایه می دهند، تور انارچینی است. در این تور، به مهمانان روش چیدن میوه ی انار، مراحل خاصی مثل انتقال به انبار و... توضیح داده شده و در نهایت از مهمانان با انارهای تازه پذیرایی می شود. در بعضی از پکیج ها، به درخواست مهمان ها صبحانه یا خوراک محلی برایشان طبخ می شود. یکی از این خوراک های خوشمزه، دو نوع نان محلی است که یکی در روغن سرخ شده و دیگری در تنور پخته می شود. کسانی که به این خانه ی قدیمی می آیند، خودشان هم می توانند در پختن نان ها مشارکت کنند، تجربه ای که دست پیدا کردن به آن کار چندان ساده ای نیست.

مردودی پر تاریخچه سازمان زنان زرتشتی ایران

گلی سیروسی

گسترده سازمان زنان زرتشتی ارسال وجه نقد و البسه جهت کمک و یاری به نیازمندان بوده. در سال ۱۳۴۲ کلوب دختران زرتشتی که بعد ها در سال ۱۳۴۵ به کانون دانشجویان تبدیل گردید تحت سرپرستی سازمان زنان زرتشتی جهت ایجاد مرکزی برای پرورش و تبادل افکار و آشنایی بیشتر دانشجویان زرتشتی با یکدیگر پایه ریزی شد. با تشکر از بانوانی که طی سالها با کوشش و حمایت فراوان در بر پا نگه داشتن سازمان سهمی داشته اند در نهایت افتخار و خرسندی به اطلاع می رساند که سازمان زنان زرتشتی از ۶۷ سال پیش تا به امروز همواره با موفقیت به فعالیتهای خود ادامه داده و می دهد.



بانوان و دوشیزگان زرتشتی جهت ارتقای آگاهی های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، بهداشتی، دینی و اعتلای مقام زن زرتشتی و حمایت از نیازمندان بدون دخالت در امور سیاسی می باشد. در ابتدا به علت نداشتن مکان مناسب، جلسات در منازل تشکیل می گردید. بعد از زمانی کوتاه اساسنامه سازمان زنان زرتشتی تهیه و اولین هیات مدیره سازمان شروع به کار نمود. بعد ها با جلب نظر انجمن زرتشتیان وقت موافقت گردید تا طبقه اول ساختمانی که سالن خسروی در طبقه همکف آن می باشد برای محل سازمان زنان زرتشتی ساخته شود که هزینه آنرا لعل خانم جمشیدیان به عهده گرفت و از آن زمان تا به امروز سازمان فعالیتهای خود را در این محل ادامه می دهد. تاکنون ۱۳ دوره هیات مدیره برگزار گردیده (از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۱ انتخابات در این سازمان برگزار نشده است).

ریاست هیات مدیره در دوره های گوناگون به عهده منیژه شاهرخ، فرنگیس یگانگی، کتابون فرین و پروین مهرآفرین بوده. سازمان زنان زرتشتی در تهران دارای کمیسیون ها و کلاسهای مختلف مورد لزوم بانوان از جمله آشپزی، خیاطی، کارهای دستی، زبان انگلیسی، کودکان، دینی، حقوقی، بهداشتی، آداب معاشرت و برنامه های تفریحی از جمله بازدید از موزه ها، آثار دیدنی و باستانی، سفرهای دسته جمعی به نقاط مختلف می باشد. بودجه سازمان از طریق حق عضویت و دهش خیراندیشان، برپایی جشن ها، شب نشینی و بازارچه های مختلف تأمین می گردد. در میان فعالیتهای



خانم گلی سیروسی همکاری خود را در هیات مدیره سازمان زنان زرتشتی بنا به دعوت فرنگیس خانم یگانگی در سال ۱۳۳۸ آغاز و تا انقلاب اسلامی و مهاجرت از ایران ادامه داد. ایشان نماینده سازمان زنان زرتشتی در شورای عالی جمعیت های زنان ایران بود و در ارسال البسه و مواد غذایی به دانش آموزان کم درآمد جنوب شهر تهران همکاری می نمود. بعدها این تشکیلات به سازمان زنان ایران تبدیل گردید که ایشان همچنان افتخار نمایندگی سازمان زنان زرتشتی در این سازمان را به عهده داشت و دبیر کمیسیون حل اختلافات زناشویی سازمان زنان ایران بود. خانم گلی سیروسی همزمان مسولیت تاسیس کلوب دختران زرتشتی را به عهده گرفت. دختران برنامه های آموزشی تفریحی و اردوهای تابستانی داشتند بعدها کلوب دختران به کانون دانشجویان زرتشتی تبدیل گردید که از محل سازمان استفاده نموده و تحت سرپرستی هییت مدیره سازمان زنان زرتشتی فعالیت می کردند. گلی سیروسی در ابتدا مسئول کانون دانشجویان و بعدها رابط هیات مدیره سازمان زنان زرتشتی و هیات مدیره کانون دانشجویان بود و همواره در کلیه فعالیتهای سازمان زنان زرتشتی سهیم بوده است.

سازمان زنان زرتشتی در سال ۱۳۲۹ به همت چند بانوی فعال و نیک اندیش بنام هیات موسسین به اسامی بانوان منیژه شاهرخ، فرنگیس یگانگی آبادیان، فیروزه افسری، بانو بهزادیان، شیرین فروتن، پردیخت مهر و لعل جمشیدیان تاسیس گردید. هدف سازمان گرد هم آوردن

در آستانه برگزاری یازدهمین کنگره جهانی زرتشتیان در استرالیا

دکتر فرزانه گشتاسب

برای پیشرفت و بالندگی تمام هستی زنده و برای سودرسانی به همه آفریدگان است و نمی‌توان آن را در هیچ حصار زنده‌ای کرد. گستره آن به وسعت جهان اندیشه است. هر جا اندیشه‌ای می‌اندیشد و زنده است، پیام زرتشت را می‌تواند درک کند و به دیگران بیاموزاند. درست است که این درخت در خاک ایران ریشه دارد ولی شاخ و برگش از سرزمین‌های بسیاری سر برآورده و در حال بالیدن است. همانگونه که قطع ریشه‌های این درخت، زندگی را از آن خواهد گرفت؛ نادیده گرفتن شاخه‌های آن که روز به روز بلندتر می‌شوند، این درخت کهنسال را ضعیف و ناتوان می‌کند.

به نظر می‌رسد که راه بقای جامعه زرتشتی، از این پس در یگانگی زرتشتیان جهان باشد. یگانگی به معنی یکی بودن نیست، هدف هائیمان باید یکی باشد. هدف مشترک همه زرتشتیان، ایجاد جامعه‌ای متحد است. باید تفاوت‌ها را ارج بگذاریم و به سوی جلو حرکت کنیم. دین زرتشت در حال حاضر و آینده، برای تمام جهان و جهانیان حرف‌های زیادی برای گفتن دارد و کنگره جهانی زرتشتیان می‌تواند مکانی مناسب برای هماهنگی و برنامه‌ریزی برای ترسیم آینده‌ای روشن و مشترک برای همه زرتشتیان جهان باشد به این شرط که:

هم‌زور باشیم و به پیمانی که می‌بندیم وفادار.

ایدون باد ایدون‌ترج باد.

حفظ یگانگی در سازمان‌های زرتشتی سراسر دنیا و برقراری ارتباط سازنده بین زرتشتیان همه جهان بوده است.

پرسش این است که آیا اکنون پس از پنجاه و هشت سال برگزاری کنگره‌های جهانی زرتشتیان چقدر به چشم اندازها و اهداف نخستین مجریان آن دست یافته‌ایم؟

یکی از کارهای مهمی که بعد از هر کنگره انجام شده و احتمالاً با افزایش وسایل ارتباطی روز به روز هم قوی‌تر می‌شود، ثبت نظراتی است که در این همایش‌ها مبادله می‌شود تا بتوانند مورد بررسی و استفاده فعالان اجتماعی و انجمن‌ها قرار گرفته و نقطه نظرهای بیشتری را برای کنگره‌های بعدی مطرح کنند. همیشه در تمام کنگره‌ها از مشکلات زرتشتیان، آرمان‌ها و برنامه‌های آینده سازمان‌ها سخن به میان آمده است و راه حل‌هایی برای حل مسائل پیشنهاد شده است. در تمام کنگره‌ها بر روی حفظ آیین‌های زرتشتی و گسترش باورهای دینی در زرتشتیان تأکید شده است و در پایان هر همایش قطعنامه‌ای به تصویب همه انجمن‌ها و افراد شرکت‌کننده در کنگره رسیده است. اما بیشتر اوقات چهارسال سکوت و ارتباط ضعیف، همه ریزنی‌ها و پیشنهادهای را از یادها برده است. به نظر من کنگره زرتشتیان جهان مکانی است برای پیمان بستن؛ و قطعنامه‌ای که نمایندگانی از زرتشتیان تمام جهان آن را نوشته و امضا می‌کنند، پیمان نامه‌ای بسیار مهم است. به نظر می‌رسد اگر تاکنون بعد از ده دوره برگزاری کنگره جهانی زرتشتیان هنوز نتوانسته ایم آنچنان که دلخواه زرتشتیان و شایسته این دین اهورایی است، به چشم اندازها و آرمان‌های نخستین کنگره نزدیک شویم، به این دلیل بوده است که بعد از پایان کنگره به اجرای پیمانی که بستیم، وفادار باقی نماندیم، ارتباط موثر و توانمندی نداشته ایم و در این فاصله نسبتاً طولانی برای رسیدن به دست آوردهای کنگره‌های پیشین ریزنی و برنامه‌ریزی نکرده ایم.

جامعه زرتشتیان ایران ۱۴۰۰ سال است که برای بقای خود با تمام توان خود کوشیده است و نمی‌توان گفت مشکلاتش اکنون کمتر شده است. در دوره‌های مختلف و در طول صدها سال از بدنه

این جامعه جدا شده و در سراسر دنیا پراکنده شده‌اند، همگی در اصل به این تنه کهنسال متصل هستند

و ریشه‌های قدیم خود را در خاک ایران، این سرزمین اهورایی می‌جویند. هر جامعه‌ای برای زنده ماندن به قلبی تپنده نیازمند است، قلب تپنده جامعه زرتشتیان

جهان، ایران، سرزمینی است که زبان و فرهنگش مایه اتحاد و یگانگی بین زرتشتیان جهان است.

اما پیام زرتشت برای همه جهانیان است،

سال ۱۳۳۸ شمسی (۱۹۵۹م) بود که به پیشنهاد انجمن زرتشتیان تهران نخستین کنگره زرتشتیان جهان در تهران و در سالن خسروی برگزار شد، یعنی درست پنجاه و هشت سال پیش. چهار همایش بعدی در هند، همایش ششم تا نهم به ترتیب در ایران، آمریکا، انگلیس و دبلیو همایش دهم مجدداً در هند برگزار شد.

اکنون بیش از نیم قرن از آغاز این همایش‌ها می‌گذرد و ما در آستانه برگزاری یازدهمین دوره آنها هستیم. این میراث معنوی به وسیله افرادی پایه‌گذاری شد که اکنون نام و یادشان نزد ما بسیار بزرگ است و نمی‌توان از همه آنها را در این نوشتار کوتاه نام برد؛ این بزرگمردان چشم اندازهایی بلند و اهدافی جدی و مهم در سر داشتند، اهدافی که حداقل در تمامی ده کنگره پیشین از آنها سخن به میان آمده است. آنچه که در این همایش‌ها موضوع مورد بحث شرکت‌کنندگان قرار می‌گرفت، موضوعاتی مانند حفظ میراث فرهنگی زرتشتیان، جایگاه موبدان و پرورش موبدان آگاه و دانشمند، آموزش دینی به کودکان و نوجوانان، جوانان و آینده جامعه زرتشتی، بهبود شرایط زندگی زرتشتیان از منظرهای مختلف، روند رو به کاهش تعداد زرتشتیان و علت‌های آن،



بحث ها برای پویایی بیشتر همایش استفاده می شود.

مهمترین و بزرگترین وجه تمایز یازدهمین کنگره ی جهانی زرتشتیان نسبت به کنگره های پیشین، اطلاع رسانی و به روزآوری خبرهای کنگره ی جهانی زرتشتیان به زبان فارسی است. شما میتوانید برای آگاهی از کلیه ی اخبار و اطلاعات یازدهمین کنگره ی جهانی زرتشتیان عضو کانال تلگرام به آدرس

<https://t.me/WZCperth>

شوید و تمام اطلاعات را به زبان فارسی دریافت کنید. این بخش فارسی برنامه هایی برای پوشش خبری خاص کنگره و ارائه ی خدمات بیشتر برای فارسی زبانان در نظر گرفته که امیدوار است با فراهم شدن شرایط امکان آرایه ی آن را

دارند درباره ی شرایط شرکت در همایش به زبان فارسی مکاتبه کنند، می توانند ایمیل هایشان را به نشانی Iran@11wzcp Perth.com.au بفرستند. برای غیرفارسی زبانان یا کسانی که به زبان انگلیسی تسلط بیشتری دارند، ایمیل info@11wzcp Perth.com.au یا شماره تلفن +۶۱۸۹۲۲۱۲۴۰۰ در دسترس است. ارتباط با این شماره تلفن رایگان نیست.

شما بگوئید چه کنیم؟

زمان برگزاری کنگره (حدوداً ۴ روز) محدود است. در چنین زمانی عملانی توان به تمام مسایل و مشکلات جامعه ی بزرگ زرتشتی که در تمام دنیا نیز پخش هستند، پرداخت. به همین دلیل بخشی با عنوان «گفتمان» یا Discussion بر روی تارنمای کنگره ایجاد شده. بدین ترتیب این فرصت فراهم شده تا یک سال پیش از برگزاری کنگره، کلیه ی صاحب نظران، پژوهشگران، بازرگانان، کارآفرینان و موبدان، نقطه نظرات مختلف خود را پیرامون مسائل مرتبط با هازمان زرتشتی، در صفحه ی بحث و گفتمان (discussion) وبگاه یازدهمین کنگره ی جهانی زرتشتیان به اشتراک گذارند. بدین ترتیب نگرانی از فرصت محدود برگزاری کنگره باقی نخواهد ماند چه آنکه حدوداً یک سال به صورت مجازی امکان بحث و گفت و گو پیرامون مسائل مختلف ایجاد شده است.

چگونه وارد بحث شویم؟

پس از ورود به صفحه ی اصلی وبگاه یازدهمین کنگره ی جهانی زرتشتیان

یازدهمین کنگره ی جهانی زرتشتیان از تاریخ جمعه یکم تا دوشنبه چهارم جون ۲۰۱۸ برای نخستین بار در شهر پرث (Perth)، واقع در غرب استرالیا برگزار خواهد شد. نخستین بار است که کنگره ی جهانی زرتشتیان در نیمکره ی جنوبی برگزار میشود. برای نخستین بار در این دوره از همایش های جهانی زرتشتیان بخش ویژه ای برای اطلاع رسانی به زبان فارسی راه اندازی شده تا امکان حضور زرتشتیان ایران و فارسی زبانانی که به زبان فارسی تسلط کمتری دارند، فراهم شود. این گروه در پی آن است که، گزارش های ویژه ای را از درون همایش برای مخاطبان زرتشتی فارسی زبان یا کسانی که امکان حضور در برنامه را نخواهند داشت، فراهم کند. این بخش خبر رسانی به شیوه های جدیدی که تاکنون در جامعه ی



پیدا کند.

(www.11wzcp Perth.com.au)، در پایین صفحه میتوانید با کلیک روی گزینه ی

join discussion وارد صفحه ی بحث و گفتمان شوید. پس از ورود به صفحه

ی مورد نظر در بالای صفحه گزینه ی select category دیده می شود. با

کلیک روی این گزینه امکان انتخاب موضوع مدنظر برای بحث را خواهید یافت. در این بخش می توانید درباره ی موضوع هایی مثل «بازرگانی»، «تاریخچه انجمن های زرتشتی»، «مباحث مربوط به آموزش و پرورش و نوآوری»، «زنان توانمند زرتشتی»، «پزشکی و سلامت»، «پیشینه ی تاریخی»، «مذهبی»، «علوم و تکنولوژی»، «جوانان»، «فرهنگ و هنر زرتشتی»، «مباحث مربوط به سالمندان و پیشکسوتان زرتشتی» و... بحث کنید.

در این بخش ها می توانید درباره ی تجربه هایتان از اتفاق های خوب درون جامعه بنویسید یا بگوئید چه بخش هایی نیاز به بهسازی و کار بیشتری دارند. وضع جوانان زرتشتی در جایی که شما زندگی می کنید چگونه است، اوضاع کار چطور؟ از این

زرتشتی سابقه نداشته، محتوای مناسب نسل جوان تولید خواهد کرد.

همایش زرتشتیان آنلاین

تمام اطلاعات درباره ی چگونگی نام نویسی، تورهای همکار با کنگره، مشخصات برنامه ها و... در وب سایت کنگره زرتشتیان به نشانی

(<https://www.11wzcp Perth.com.au>)

در دسترس است. به جز این، برای نخستین بار نشانی ایمیلی برای فارسی زبانان مایل به شرکت در کنگره قرار داده شده است. همکیشانی که تمایل

چه برنامه هایی تا کنون در نظر گرفته شده؟

موضوع نشستها و سخنرانیها با حداکثر قربت مفهومی و انسجام ممکن برنامه ریزی شده تا انگیزه ی لازم برای حضور علاقه مندان در مباحث و نشستها، ایجاد شود. شما میتوانید با مراجعه به وبگاه یازدهمین کنگره ی جهانی زرتشتیان بخش program و گزینه ی congress program به آدرس <https://www.11wzcp Perth.com.au>

هستند تا امکان ارسال دعوت نامه و تسهیل حضور ایرانیان در این برنامه فراهم شود. مطابق قوانین صدور ویزای استرالیا، روند دریافت ویزا از حدود ۳ تا ۴ ماه پیش از زمان برگزاری یازدهمین کنگره جهانی زرتشتیان آغاز میشود. اقدام برای دریافت ویزا پیش از زمان یاد شده عملاً امکانپذیر نیست. این زمان از طریق وبگاه کنگره و همچنین کانال تلگرام آگاهی رسانی خواهد شد.

نکات ویژه برای مسافرت به استرالیا
همراه داشتن بیمه درمان و سفر برای علاقه مندان به شرکت در یازدهمین کنگره جهانی زرتشتیان اکیدا توصیه میشود. در صورت بروز هرگونه حادثه، برگزارکنندگان کنگره، مسئولیتی در قبال هزینه های احتمالی نخواهند داشت.

زبان فارسی اعلام خواهد شد. هزینه ی ثبت نام زود هنگام برای بزرگسالان ۴۹۹ دلار استرالیا، افراد ۱۲-۶ سال، ۲۵۰ دلار استرالیا و خردسالان ۵-۲ سال، ۱۰۰ دلار استرالیا در نظر گرفته شده است. شما میتوانید از طریق وبگاه یازدهمین کنگره جهانی زرتشتیان بخش تهیه ی بلیط (tickets) به آدرس <https://www.11wzcpertth.com.au/buy-tickets/> برای ثبت نام و تهیه ی بلیط اقدام کنید. هزینه ای که برای خرید بلیط پرداخت میشود، شامل هزینه ی ورود به کنگره، شرکت در کلیه ی سخنرانیها و مباحث، دو ناهار و دو شام و همچنین حضور در مراسم باشکوه افتتاحیه و اختتامیه خواهد بود. هزینه ی اقامت در شهر پرت یا بلیت هواپیما جزو خدمات کنگره نخواهد بود.

برنامه های تفریحی در همایش جهانی زرتشتیان

هنگام ثبت نام در وبگاه کنگره بخشی با عنوان ثبت نام تورهای تفریحی نیز دیده می شود. این تورها به صورت ویژه برای شرکت کنندگان در همایش با تخفیف در نظر گرفته شده است. هزینه ی تورهای تفریحی برای بزرگسالان ۷۵ دلار استرالیا و برای کودکان ۴۴ دلار استرالیا در نظر گرفته شده است. تورهای تفریحی کنگره شامل: Swan River، Perth، Live Gold Pour، Fremantle و همچنین Swan valley Brewery و Winery & Chocolate خواهد بود. لازم به توجه است که تورهای تفریحی کنگره در روز نخست (جمعه، اول

com.au/program) از برنامه ی زمانبندی کنگره و جزییات آن (ساعت دقیق نشست ها) اطلاع یابید. نسخه ی فارسی این برنامه ها نیز در کانال تلگرامی یازدهمین کنگره جهانی زرتشتیان به نشانی <https://t.me/WZCperth> در دسترس است. ضمن این که، سایت های خبری زرتشتی یعنی امرداد و برساد این اطلاعات را به آگاهی همکیشان خواهند رساند. رسانه های فارسی زبان و غیرفارسی زبان زرتشتی در هندوستان و آمریکا نیز بخش های دیگری از آگاهی رسانی را برعهده خواهند گرفت.

تهیه ی بلیط یازدهمین کنگره ی جهانی زرتشتیان

در حال حاضر بلیط های کنگره در سه گروه مختلف طبقه بندی شده اند. ثبت



از آنجایی که استرالیا در نیمکره ی جنوبی واقع شده، زمان برگزاری کنگره، اوایل زمستان خواهد بود و تقریباً دمای ۲۰ درجه سانتیگراد پیش بینی میشود. از این رو پیشنهاد میکنیم که شرکت کنندگان لباس گرم و مناسب نیز به همراه داشته باشند. تمام زرتشتیان از سرتاسر جهان، اعضای خانواده و دوستانشان، امکان حضور در یازدهمین کنگره ی جهانی زرتشتیان در پرت استرالیا را دارند. به امید برگزاری شکوهمند این کنگره بزرگ.

جون) و روز پایانی کنگره (دوشنبه، ۴ جون) برگزار خواهند شد. جزییات مربوط به تورهای تفریحی یازدهمین کنگره ی جهانی زرتشتیان در وبگاه کنگره و همچنین به زبان فارسی در کانال تلگرام کنگره آورده شده است.

شرایط سفر و ویزا

تقریباً اکثر هواپیمایی های بین المللی در اقصی نقاط دنیا، روزانه حداقل یک پرواز به پرت استرالیا دارند. برای ورود به استرالیا، داشتن ویزا الزامی است. البته این موضوع شامل شهروندان تمام کشورها نمی شود. برای اطمینان در این مورد با یکی از آژانس های مسافرتی محل اقامت خود یا وب سایت [Australian Visa Finder](http://www.AustralianVisaFinder.com.au) مراجعه کنید.

شهروندان ایرانی که تابعیت کشور دیگری مثل ایالات متحده ی آمریکا را نداشته باشند، ضروری است که برای شرکت در همایش، ویزای استرالیا را دریافت کنند. دست اندرکاران همایش در حال رایزنی با مسئولان کنسولگری استرالیا در ایران

نام زود هنگام با کمترین هزینه در نظر گرفته شده و ویژه ی کسانی است که زودتر از دیگران نام نویسی کنند. ثبت نام در موعد مقرر نسبت به «زود هنگام» مقداری افزایش قیمت خواهد داشت و در آخرین مهلت، بیشترین افزایش قیمت وجود خواهد داشت. پایان فرصت ثبت نام زود هنگام و آغاز ثبت نام در موعد مقرر و همچنین تغییر نرخ همایش، از طریق وبگاه یازدهمین کنگره جهانی زرتشتیان و همچنین کانال تلگرامی به آدرس <https://t.me/WZCperth> به

اردشیر بابکان (بخش دوم)

شاهین نژاد

نامی ترین گزاره ای که از اردشیر بابکان، بنیادگذار شاهنشاهی ساسانی، برجای مانده است و پیوسته گفته و نوشته می شود این است که: «دین و دولت برادر یکدیگرند و هیچکدام از دیگری بی نیاز نیست. دین شالوده پادشاهی است و پادشاهی نگهبان دین است. هر چه را پایه نباشد از میان برود و هر چه نگهبان نداشته باشد، تباہ شود».

نخستین شاه ساسانی، اردشیر بابکان، که برای نخستین بار دین رسمی را در کشوری بنیاد گذاشت، همزمان با آن، یکی نبودن دین و دولت را نیز که از هزاره پیش از آن، سنت دولتهای ایرانی شده بود، ارج می نهاد. به بیانی دیگر، حتی اردشیر که از خانواده ای آتشکده دار به شهریاری ایران دست یافته بود، دین و دولت را دو همزاد می دانست ولی یکی نمی دانست. در کنار خود اردشیر که در جایگاه شهیار، رهبری سیاسی را با ریزنانی چون "آبرسام" بر دوش داشت، نظریه پردازانی چون "تسنر" و "ماهان" نیز راهبری دینی جامعه را بر دوش داشتند.

با اینکه خود اردشیر از خانواده موبدان استخر فارس برخاسته بود، سامان دادن به بال دینی کشور را به دیگران سپرد تا به سنت ایرانی شهری جدا بودن نهاد دین از نهاد دولت پایبند باشد. کسی که خود، نظریه همراهی دین و دولت را به عنوان مرام دولت نوین پی ریخت بروشنی می گوید که دستگاه فرمانروایی به هیچ روی حق مهار و چیرگی بر باورهای قلبی مردم و دامنه زندگی خصوصی آنها را ندارد و تنها بر تن مردمان در کشور فرمان می راند».

حکومت و سلطنت ملوک دنیا نیست مگر بر بدن ها و ظاهر امور رعیت. بنابراین بر پادشاهان سزوار نیست که رعیت را جز بر آنچه آشکار است از احوال ایشان، مؤاخذه کنند».

بر خلاف برداشت برخی مفسران، در اندیشه سیاسی ایرانی شهری، شاه تنها در پی این نبود که با قبضه کردن نهاد دین، قدرت خویش را استوارتر نماید و از فرمانبری مردم آسوده خیال شود. از همان آغاز به قدرت رسیدن اردشیر بابکان، وی از بزرگانی چون "تسنر" و "آبرسام" برای یکدست کردن و تثویزه نمودن آیین زرتشت در راستای ساخت یک سپر باوری نیرومند و یکپارچه گر ایرانی شهر، بهره گرفت.

کُنشی از اردشیر بروشنی نشانگر آن است که به هیچ روی پشتیبانی چشمگیر او از آیین زرتشت، از روی خشک اندیشی و یکسونگری دینی نبوده است بلکه ژرف تر از اینها، همسو کردن مردم و توانمند کردن کشور با گسترش یک ایدئولوژی مشخص بوده است. تسنر در پاسخ به "گئسنسب" فرمانروای تبرستان که شکوه کرده بود که چرا اردشیر برخی از آتشکده ها را خاموش کرده است، می نویسد: «دیگر آنچه یاد کردی که شاهنشاه آتشها از آتشکده ها بر گرفت و بکشت و نیست کرد و چنین دلیری هرگز در دین کسی نکرد ... پس از دارا، ملوک الطوائف هر یک برای خویش آتشگاه ساخته و آن همه بدعت بود که بی فرمان شاهان قدیم نهادند».

خود اردشیر که پرچمدار همزادی دین و دولت است می گفت: «بدانید بیمناک ترین گزیندها که بر شما رسد، نیرنگ دینی است. شاه نباید بگذارد تا زاهدان و نیایشکاران و گوشه گیران بیش از او هواخواه دین نمایان شوند و نگهدار آن جلوه کنند». نگاه پخته اردشیر به کارآیی های سازنده و ویرانگر دین در جامعه (چه آن را پسندیم و چه آن را نفی نماییم) در زمان خودش بسیار سنجیده بوده و از آگاهی او و یارانش به روحیات جوامع انسانی بویژه جوامع شرقی، نشان دارد.

پیدا است که در دوره اشکانیان، با پشتیبانی دولتهای محلی، در هر ناحیه ای، یک خوائش از دین "مزدیسنا" پدید آمده و برکشیده شده و کیش چیره بر آن ناحیه گشته بود. این، نه تنها در فرآیند یکپارچه کردن ایران شهر و نیرومند سازی آن، سودمند نبود بلکه مردم را در پراکندگی و سرگشتگی فکری و آیینی با هم رقیب و چه بسا دشمن می ساخت. اگر اردشیر تنها به دنبال پشتیبانی از آتشکده ها و گسترش نفوذ آنها بود، می شد او را دینداری خشک اندیش (از سرشت شاه اسماعیل صفوی) دانست ولی هواداری وی از آتشکده ها کاملاً جهت دار و به منظور یکپارچه کردن فضای باوری جامعه برای توانمندسازی آن بوده است. اینگونه دریافته می شود که اردشیر و یارانش، از دین بهی، یک مکتب اجتماعی با سامان باوری استواری ساختند که برای نزدیک به چهار سده، کارآیی خود را به نمایش گذاشت.

مرام اردشیر و یاران نظریه پردازش همچون تسنر و آبرسام، رویارویی با تهاجم فرهنگی باخترزمین (که در آن زمان، رومیان پرچمدار آن به شمار می رفتند) و براندازی پادشاهان منطقه ای با هدف یکپارچه نمودن سیاسی کشور بود. یکپارچگی که از یورش اسکندر به ایران شهر، از دست رفته بود. خود اردشیر بابکان هوشمندانه دریافته بود که برکشیدن هویت و فرهنگ ایرانی نیاز به ارائه یک آیین ایرانی ریشه دار و پذیرفتنی دارد. از اینرو، همه کوشش خود را به کار برد تا بتواند دین بهی را پویا نماید و آتشکده ها را رونق بخشد. او می دانست که به پشتیبانی این آیین ایرانی، می تواند یکپارچگی و همگرایی دوباره ای در میان ایرانیانی که برای سالهای درازی زیر نفوذ و هجوم فرهنگ بیگانه بسر برده بودند، پدید آورد.

هنگامی که در آغاز "کارنامه اردشیر بابکان"، از بخشهای دوپست و چهل گانه ایران شهر سخن رانده می شود و اردشیر از خویشش به عنوان "شاه شاهان ایران" یاد می کند، نمای بسیار روشنی از بودن فرمانروایی های کوچکی در همستگی ایرانی شهر بزرگ به ما می دهد که همسانی آنان در شناسه ایرانی آنهاست. بنابراین کار بزرگ اردشیر نه پدید آوردن اندیشه ایرانی شهر که برکشیدن و گستراندن آن از دامنه نژادی، فرهنگی و زبانی به دامنه سیاسی می باشد.

در یک گردهمایی پس از سخنرانی اردشیر بابکان برای گروهی از مردم، یکی از باشندگان در بیان احوال ایرانیان در هنگام رستاخیز اردشیر،

اینگونه داد سخن داد: «تو ما را پس از آنکه پراکنده بودیم همدست ساختی و سخنان یکی کردی و دل‌هایمان را که از کینه یکدیگر لبریز بود بهم پیوستی و آتشی که در میان ما زبانه می کشید را خاموش ساختی». این همدل شدن و همسو شدن ایرانیان در زیر چتر باوری که اردشیر و ریزانانش بر فراز ایران‌شهر گستراندند، «دیندار» شدن جامعه ایرانی در آن روزگار معنا می داد.

اردشیر بابکان خویشکاری نهاد فرمانروایی در باره اجرای داد را اینگونه می بیند: «بر ذم پادشاهان است که حق ضعیف از قوی بستانند و سهم فقرا را از توانگران بگیرند و نسبت به ضعیفا، مهربان تر و دلسوزتر باشند». او بدترین پادشاه را کسی می داند که بیگناهان از او بترسند. هر زمان شاه از دادگری سرپیچید، مردم باید از فرمانبری او سرپیچند. بدینگونه، بیدادگری حکومت به از دست رفتن حقانیت آن می انجامد و بنابراین، نافرمانی مردم از دولت نه تنها توجیه می شود که ناگزیر می گردد.

در بخشی از شاهنامه که اردشیر بابکان اندرز سیاسی می دهد، بروشنی مفهوم «فر کیانی» را نشان می دهد و شاه بیدادگر را سزاوار تاج شهریاری نمی داند:

دلت بسته داری به پیمان او
روان را نیچی ز فرمان
اوی
برو مهر داری چو بر جان خویش
چو با داد بینی نگهبان
خویش

غم پادشاهی جهانجوی راست
ز گیتی فرونی سگالد نه کاست

گر از کارداران و از لشکرش
نیازد به داد، او جهاندار نیست

بداند که رنجست بر کشورش
برو تاج شاهی سزاوار نیست

این شاه اندیشمند و نخبه ایران زمین، گزاره ای نغز در باره واکنش دولت به خواسته های مردم دارد که هرگونه خودکامگی در گوهر اندیشه سیاسی ایران‌شهری را رد می نماید: «پادشاه به جای اینکه با وعده دادن و یا غلظت نمودن در خاموش کردن مردم بکوشد، باید به دنبال اصلاح عیوب خویش باشد». وی مستی قدرت را بسیار ویرانگرتر از مستی می و باده می داند: «هر چند سال بر شاهی شهریار افزوده گردد، چهار خوی بزرگی، نیرومندی، برتری جویی و خودپسندی در او افزایش می یابد تا آنجا که او را به مستی شاهی گرفتار سازد که آفت آن از مستی شراب پرزورتر است». اوج بلند نگرانی اردشیر را باید در این سخنش دید: «شاه باید بر خویشتن جاسوسانی گمارد تا بتواند منش خود را پاکیزه کند. چنین کسی بر زشتی های خویش، پیش از مردم آگاه خواهد شد». بنیادگذار ساسانیان به روشنی دولت فرمانروا را نیازمند دستگاه بازرسی برای پیگیری تخلفات خودش می داند. این دقیقاً آن چیزی است که امروزه به عنوان مهار قدرت هیئت حاکمه و جلوگیری از گسترش بی حد و مرز آن، در جهان مطرح هست.

اردشیر همچنین می افزاید که مردم به هیچ روی ناچار به دوست داشتن آنچه فرمانروا دوست می دارد، نیستند: «بدانید، شهریاری تان از دو جای آسیب بیند: یکی چیرگی دشمن و دیگری تباهی فرهنگتان. تا هنگامی که شهریاران را بزرگ می دارید، مرزهایتان از گزند بیگانگان، و آیین تان از چیرگی آیینهای دیگر بر کنار ماند. بزرگداشت شهریاران و پاس شکوهشان را داشتن در این نیست که با ایشان سخن نگویند یا کس به ایشان نزدیک نشود. دوست داشتن شان نیز به دوست داشتن آن چه ایشان دوست می دارند، نیست. بزرگداشت شهریاران در بزرگداشت آیین و خردشان، و پاس شکوهشان در پاس داشتن از پایگاهی است که در نزد یزدان دارند و دوستی شان در دوست داشتن درستکاری شان و بازگفتن کار نیک ایشان است». پس ارجح‌گزارای به شاه، ارجح‌گزارای به شخص وی نیست. به اندیشه و مرامی است که شاه را در جایگاه شهریاری جای داده است. این، جهانی فاصله دارد با نگاهی که مردم در آن وادار می شوند به سلطان و فرمانروای خود کامه احترام توام با ترس بگذارند و چاره ای جز پسندیدن آنچه رهبر مستبد می پسندد، نداشته باشند.

بدخویی و سیاه اندیشی، ایرانی و انبرانی نمی شناسد و ناپسند و اهریمنی است. اردشیر بابکان، بی اخلاقی را سبب پریشانی و شکست کشور می داند زمانی که می گوید: «پیش از آنکه با خوبیهای زشتی که در مردم خودتان است پیکار نمایید، پیکارتان با ملتهای دشمن، نه از رهبری نیکو که از زیان کاریست. چگونه می توان با دل‌های ناهمدستان و دستانی که دشمن یکدیگرند به پیکار دشمنان شتافت؟»

اردشیر جمله اندیشه برانگیزی دارد: «شاه نباید بگوید که از بکار بردن زور

بیم دارم. کسی از بکار بردن زور بیم دارد که از بکار بردن زور به زیان خودش همی ترسد. بکار بردن زور در باره دسته ای از مردم در چنین حالی به مصلحت باقی ملت است». در این دو سفارش بجا مانده از تنسر و اردشیر، نگاه "برتری منافع و حقوق جامعه به منافع و حقوق فردی و یا گروهی" بسیار چشمگیر است. اردشیر بکارگیری مقطعی مشیت آهنبین بر علیه سرکشان و گنهکاران را برای نگهداشت مصالح دراز مدت کشور، به جانشینانش سفارش می نماید: «بدانید که شهریار را جز به رهبری درست، بزرگ ندارند. برترین رهبری، گشودن دو در، در برابر مردم است: یکی در دلسوزی و مهر و فروتنی و بخشندگی و دوستی کردن و نواختن و دلجویی و نزدیکی و خوشرویی و چشم پوشی و گشاده رویی و گشاده دلی، و دیگری، در تندی و بیم دادن و آزردهن و پافشاری و سختگیری و دور کردن و راندن و دشمنی و بازداشتن و گره بر ابرو و افکندن و ترشروی و تنگ گرفتن و کیفر دادن و کوچک کردن، تا به کشتن رسد. بدانید، من از این دو در، یکی را در مهر و دیگری را در خشم نامیده ام. هر دو را در مهر می نامم».

تنسر، کردار اردشیر در باره مردم را بر پایه نمونه مادر و پزشک روشن می نماید: «مادر با فرزندش مهربان است و درد و رنج او را نمی تواند ببیند ولی به خاطر تجویز پزشک آماده است تا داروی تلخ و بدمزه به فرزندش به زور بخوراند. سرانجام، فرزند به تندرستی و آسایش می رسد و مادر بر پزشک آفرین می گوید. اردشیر نیز بر این منوال ناچار از سختگیری بر برخی مردم است چون

نیکخواه آنان است و در دراز مدت، این سختگیری به سود ملت خواهد بود».

در آغاز دوره ساسانیان، نظریه پرداز نظام اعتقادی نوین ایرانشهر، تَنَسَّر، در بیان کوششهای اردشیر بابکان می نویسد که «در درازای تنها چهارده سال، در جمله بیابانها، آبها روان گردانید و شهرها بنیاد نهاد و روستاها پدید کرد». وی یکی از بهترین خدمات اجتماعی کارآمد را برپا کرد و از یتیمان و بیوه زنان تهیدست پشتیبانی نمود. در این باره می خوانیم که «بر خلائق ناظران برگماشت تا چون کسی متوفی شود و مالی نداشته باشد، غم تجهیز و اعقاب او بخورند». اوج بزرگ منشی را در اریکه قدرت، اردشیر بابکان به نمایش گذاشت که در برابر روی همه ایرانیان برای دادخواهی نمودن باز نگهداشت و در این میان، حتی این حق را به مخالفان خود نیز داد که برای گرفتن حق خویش، به بارگاه شاه بروند؛ جهان سَر بسر در پناه من است پسندیدن داد، راه من است گشاده است با هر کس این بارگاه ز بدخواه و از مردم نیکخواه

اردشیر بابکان، در نامه به کارگزارانی که به استانهای دور و نزدیک کشور می فرستاد، می نوشت: «در هر ماه، برای بنیادین مقرر می گردن گیر و سامان آن پرداختها را آشفته مساز». همه این نمونه ها، نیکو کاری های بنیادینی هستند که در جوامع امروزی، تامین اجتماعی و خدمات بهزیستی نامیده می شوند که از سوی دولت به شهروندان ارائه می گردند. شهریاران برجسته ایران کهن، در دهشمندی و دستگیری از گرفتاران و مستمندان، بارها نمونه های کاربردی از خویشتن بر جای گذاشتند: «مردم

استخر (آبادترین شهر فارس در زمان ساسانیان) از نیامدن باران شکایتی بدست اردشیر دادند. زیر آن نوشت: اگر آسمان از باریدن بخل ورزیده، ابر ما خواهد بارید. فرمان دادیم شکست شما را جبران و بی نوایی تان را با برگ و نوا کنند».

اردشیر در وصیت نامه سیاسی خویش، نه تنها نفس آبادسازی را که ارزشی والا است، ستوده و سفارش نموده بلکه دست کشیدن از سازندگی را برانگیزنده فروپاشی و حتی فروافتادن دولتها می داند: «بدانید که برافتادن حکومتها نخست از بیکار رها کردن مردم و سرگرم نساختن ایشان به کارهای سودمند آغاز شده است». همچنین اردشیر می افزاید: «شهريار خردمند و خوشبخت و پیروزگر و توانای بيدار دل و ژرف بین همواره می کوشد دمی از بهبودی بخشیدن به کشور خویش بازنايستد».

سفارش و وصیت چهره درخشان سنت سیاسی ایرانشهری، اردشیر بابکان، به جانشینانش، خردمند سالاری بود. او می گفت «عهد من با آیندگان آن است که که مصالح خود به خردمندان سپارند اگر چه کارهای حقیر باشند». سپردن کار به خردمندان نه تنها در کارهای بزرگ که در کارهای خرد هم باید در دستور کار شهريار می بود و این یعنی دوری گزیدن از بیخردان و فرومایگان برای کشورداری و گیتی آرایبی. اردشیر به پسرش، شاپور یکم، سفارش می کند که نه تنها عوام را در پیرامون خود گرد نیاورد تا در تصمیم های کشوری نقش داشته باشند، بلکه چشمداشت راستی و درستی نیز از آنان نداشته باشد: به فردا ممان کار امروز را
 معجوی از دل عامیان راستی
 آبدت کاستی
 نه خسرو پرست و نه یزدان پرست
 به دست
 چنین باشد اندازه عام شهر
 بهر

او آنچنان برکشیدن عوام و برتر نشاندن آنان بر نخبگان را ناپسند و نابخردانه می داند که آن را همسان با پیداد شاه و یا پول پرستی شاه، موجب زوال دولت و سرنگونی آن می انگارد:

سر تخت شاهان بیچد سه کار
 دگر آنکه بی سود را بر کشد
 سه دیگر با گنج، خویشی کند
 نخستین ز بیدادگر شهريار
 ز مرد هنرمند برتر کشد
 بکوشد که دینار بیشی کند

اردشیر در وصیت نامه سیاسی خویش، در باره پیوند شاه و مردم، گزاره زیبایی دارد که فاصله ژرف شهرياری در ایران با فرمانروایی معمول در خاورمیانه و خاور نزدیک آن روزگاران را نشان می دهد: «بدانید که خوراک و پوشاک شاه باید همانند خوراک و پوشاک توده مردم باشد، و سزد که بهره مندی شاه و مردم از خوردنی و پوشیدنی، یکسان و شادمانی شان برابر باشد. برتری شاه بر توده، در توانایی وی بر فراهم کردن نیکبها و سود جستن از بزرگی است، و در این که هر گاه بخواد نیکوی تواند کرد و توده چنین نباشند». نگاه

ظریف و زیبایی است که برتری شاه بر دیگران را در آن می بیند که شاه بیش از دیگر مردمان، دستش برای نیکی کردن به کشور و مردمش باز است. در دنباله، وی خویشکاری شهريار را در برابر مردم بالاتر از مسئولیت او نسبت به منافع خود می داند: «پس، شهريار باید، نخست برای یزدان، سپس به سود مردم، آنگاه برای خویشتن، کسی را به جانشینی خویش برگزیند».

بنیادگذار ساسانیان در وصیت نامه سیاسی خویش که دارای نکات ارزنده ای در پیوند با کشورداری و راهبری جامعه است، به اهمیت نقش سرآمدان کشور برای اصلاح توده و نیکبختی ملت می پردازد: «شهريار تا آنگاه که راست آوردن و یژگان را نیاغزد، نباید که در اندیشه راست آوردن توده، برآید». روشن است که "ویژگان" همان سرآمدان و یا نخبگان کشور هستند. با روشنفکران و یا فن سالاران (تکنوکرات ها) فاسد و بی مهر به میهن، اصلاح امور کشور و پرورش مردمی درخور زندگی شایسته، نشدنی است. از سوی دیگر، خود سرآمدان و نخبگان نیز باید خردمندانه گزینش شوند تا کارهای کلیدی را در کشور در دست گیرند: «گزینش بخردانه و یژگان در هر کاری بگونه ای که یک یک ویژگان بهره و پایه ای سزاوار کاردانی خود، دریافت دارند تا کارها سزاوارانه و بخوبی ساماندهی و آرایش داده شوند».

این چهره درخشان تاریخ ایران، برای خود ولیعهدی برنگزید ولی این روش را برای آیندگان، الزامی نکرد. در این باره، آن بزرگمرد گزاره ای دارد که آشکارا نشانگر نبود خودکامگی در نزد بنیادگذار ساسانیان و زنده کننده ایرانشهر است. او می گوید: «



منع نمی کنیم که بر رای ما ختم کنند که ما بر علم غیب واقف نیستیم و تواند بُود روزگاری آید متفاوت رای ما و صلاح (در آن روزگار)، رویی دیگر خواهد داشت». این نهایت آزاداندیشی یک شاه توانمند است که آرا و دیدگاههای خویش را جاری و ساری برای همه زمانها نمی داند و تصمیمات اساسی هر روزگار را به خرد و تدبیر فرزندگان همان روزگار می سپارد. تنسّر، رازین او، اینچنین مطلب را پی می گیرد: «ما چنان خواستیم که شاهنشاه در این رای از جهانداران منفرد نباشد و نه اینکه با هیچ مخلوق مشورت نکند».

اردشیر بابکان در وصیت سیاسی خویش برای جانشینش، سفارش می نماید که بکارگیری بازرسان پنهان و سازمان اطلاعات برای پیگیری وضع زندگی ملت و کارکرد سرپرستان کشور و استانها سبب می شود که پیش از مردم، شاه از کاستی دولت آگاه شود و در پی درمان آن برآید: «پیشینان ما گفته اند: خوشی مردم، درست در ستودن شهریان، و خوشی شهریان، درست در مهر ورزیدن به مردم است. هر کس از شما بخواهد که شیوه هایی برگزیند که از وی جز به نیکی یاد نکنند، چنین کند و هر که بخواهد، تواند که چشمان خویش (بازرسان نامحسوس) بگمارد، تا آگاهی بر کاستی های خویش از مردم کشور پیش افتد». مهرورزی شهریار به ملت یک ویژگی برجسته است که در دیگر نظامهای سیاسی، رد پای از آن نمی توان جست.

با سپاس از فرزندان بانو مهرانگیز جم زاده و هوشنگ فرهمند برای همیاری در بخش نودادها و در دسترس گذاشتن فرتورها فهرست کارهای انجام شده با یاری گروه مدیران در سه ماه گذشته در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا



- برنامه سخنرانی با دعوت گروه بانوان توسط روانشناس بانو ندا موحد در مورد تاثیر خشونت بر کودکان در تالار مروارید گیو مرکز برگزار شد که مورد توجه باشندگان قرار گرفت و بروشورها به زبان انگلیسی و فارسی به



باشندگان داده شد.

- جشن پایان تحصیلی شاگردان کلاس اوستا و فارسی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا با شکوه فراوان انجام گردید و از طرف آموزگاران به دانش آموختگان گواهی نامه و جایزه داده شد.

- با هم زمانی دیدار پیر سبز و به یاد پیر چکچکو در کوههای پاسادینا کالیفرنیا شادمانه گرد هم آمدیم و به گونه سفره همگانی جشن گرفتیم.

- مرکز زرتشتیان کالیفرنیا جشن تیرگان (آبریزان) را در پارک وان اسکور مایل فانتن ولی برگزار کردند این برنامه شاد با آیین زیبای گهنبار چهره میدیوشهم گاه همراه با آبریزان انجام گردید.

- سیستم برق رسانی خورشیدی مرکز با همکاری کمپانی سیروس سولار و دهش خیر اندیشان به آخر رسید و در حال حاضر از طریق انرژی خورشیدی به مرکز برق رسانی می شود.

- گروه بانوان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا روز وره رام ایزد و ماه تیر را با پذیرایی آش و بازیهای شاد و سرگرم کننده برای کودکان برگزار کردند.

- برنامه های شاهنامه خوانی با همکاری دکتر چاپچی در روزهای یکشنبه در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار شده و ادامه دارد.

- تندیس منشور کورش بزرگ با شرکت ایرانیان و زرتشتیان مقیم کالیفرنیا با نام (آزادی، يك رویای مشترك) در بلوار سانتا مونیکا لس آنجلس برنشانده شد. این تندیس به دست معمار سرشناس انگلیسی، سیسیل بالموند ساخته شده است و در روز ۴ جولای از آن پرده برداری شد. بنیاد فرهنگ با نمایاندن این طرح به شهرداری لس آنجلس و پشتیبانی پولی زمینه این رویداد را فراهم آورده بود.

- جلسه مشترك گروه آموزش و گروه مدیران در مورد شروع کلاسها و شهریه دانش آموزان و در مورد وضعیت تحصیلی دانش آموزان و چگونگی ارتقا آن انجام گردید.

- جلسه مشترك گروه های مدیره مرکز اورنج کانتی و مرکزهای لس آنجلس، سن دیگو، و گروه زنهارداران و گروه موبدان جهت ارتقا کیفیت امور دینی در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار شد.

- برنامه آقای آرمان آریانه با سونیا آبراهام و شاگردانش برای آشنایی با دین زرتشتی در سالن مروارید گیو مرکز برگزار شد.

- کمپ تابستانی نوجوانان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در جنوب کالیفرنیا و با حضور نوجوانان و جوانان و با برنامه های شاد و سرگرم کننده در سانتا باربارا برگزار شد از همه سرپرستان و دست اندر کاران و ایزنان این کمپ سپاسگزاریم.

- برنامه سخنرانی در مورد اینکه چگونه در بازنشستگی فراخ روز بوده و درآمد پایدار داشته باشیم در دو نوبت در مرکز زرتشتیان برگزار شد.

آگهی

- با شادمانی به آگاهی می رسانیم که گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا کارگاههای آموزشی و آشنایی با موسیقی و نقاشی را برای نونهالان برگزار می نماید. هموندانی که میخواهند خردسالان خود را با آموزگاران کارآموده به این هنرها آشنا نمایند به مرکز زنگ بزنند.

- در آمد حاصله از گالا برای بازسازی نیایش گاه و تالار مروارید گیو به کار خواهد رفت. از شما هموندان خواستاریم که برای نوسازی نیایشگاه و تالار مروارید دهش های خود را به مرکز بفرستید تا بتوان با کمکها و دهش های شما سروران این کار به بهترین صورت انجام گیرد و نام شما نیز به میزان دهش بر روی درخت دهش نوشته و در لابی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا آویزان خواهد شد. هر گونه دهش به مرکز از بخشودگی مالیاتی برخوردار خواهد شد.

- به آگاهی میرسانیم که هفتمین همایش (کنگره) جهانی جوانان زرتشتی در سال ۲۰۱۹ در کالیفرنیا برگزار خواهد شد و مرکز زرتشتیان میزبان این همایش خواهد بود. از همه جوانان زرتشتی که دوست دارند در بر پایی این کنگره شرکت کنند در خواست میشود به برگزارکنندگان آن در گروه جوانان

مرکز ایمیل بزنند.

7wzyc@googlegroups.com

- مجله چهره نما آگهی می‌پذیرد برای آگاهی بیشتر به مرکز زرتشتیان زنگ بزنید و یا به ما ایمیل بزنید.

cninfo@czcjournal.org

- بارگشت زرتشتیان به ریشه هایشان: آماج از این برنامه گرد هم آوردن جوانان زرتشتی ۲۲-۳۵ سال از سراسر جهان و آشنا کردن آنها با ریشه و فرهنگشان است. شرکت کنندگان در ۱۳ روز از جاهای تاریخی، دینی، فرهنگی زرتشتیان در هند بازدید خواهند کرد. برای آگاهی بیشتر به

www.zororoots.org ایمیل بزنید.

- کسانیکه با دشواری در زندگی روبرو هستند می‌توانند به موبد بوج والا با شماره تلفن ۷۱۴۳۷۴۷۰۷۸

زنگ و یا

mbhujwala@socal.rr.com به

ایمیل بزنند. این گفتگوی تلفنی محرمانه بوده و شما نیازی به گفتن نام خود ندارید.

آیین پرسه

آیین پرسه روانشاد دانمای بیروز دلال در تالار مروارید گیو مرکز برگزار شد.

درگذشت آن روانشاد را به خانواده و دوستان آرامش باد گفته شادی روان آن زنده یاد و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم.

آیین پرسه روانشاد هرمزدار استواری در تالار مروارید گیو مرکز برگزار شد.

درگذشت آن روانشاد را به خانواده و دوستان آرامش باد گفته شادی روان آن زنده یاد و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم.

درگذشت روانشاد تیمسار سروشیار موبد بهرام آریانی را به خانواده و دوستان آرامش باد گفته شادی روان آن زنده یاد و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم.

درگذشت روانشاد پروفیسور کیخسرو ایرانی را به خانواده و دوستان آرامش باد گفته شادی روان آن زنده یاد و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم.

درگذشت روانشاد پروفسور کیخسرو ایرانی را به خانواده و دوستان آرامش باد گفته شادی روان آن زنده یاد و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم.

روانشان شاد و یادشان گرامی باد

اوستا خوانی

بانو شهناز هرمزدی ۱۰۱ دلار برای سال مادرشان روانشاد همایون بهرام مزدایی (هرمزدی)

آقای رستم باستانی ۵۰۰ دلار برای سال روانشاد دولت بهرام باستانی برای سال روانشاد خدابخش بهرمرد پورفاداری ۵۰ دلار

آقای رستم کرمانی ۱۰۱ دلار برای سر سال مادرشان روانشاد همایون بهرام گشودای کرمانی

بانوان هما زرتشتی، ویدا جمشیدیان، م. سروشیان برای سال پدرشان موبد مهربان جمشید زرتشتی ۱۰۰۰ دلار

بانو مهوش پارسایی گشتاسبی ۵۰ دلار اوستاخوانی برای روانشاد خرمن پارسایی

بانو تبسم کیومرثی ۱۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد تهمورث کیومرثی بانو آناهیتا خسرویانی ۱۰۱ دلار برای سال مادرشان روانشاد میترا خسرویانی

بانو فرشته خطیبی ۱۰۱ دلار برای سال همسرشان روانشاد دکتر هوشنگ خطیبی

آقای بیژن شایسته ۱۰۰ دلار برای سال مادرشان

بانو مهردخت نامداری ۱۰۰ دلار برای سال روانشاد همایون مهربان سروش

آقای هوشنگ پوربمانی ۱۰۱ دلار برای سال روانشاد بانو رستم کیانی چم بانو ایران رشیدی ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشادان جمشید

خدا مراد رشیدی و فرنگیس فریدون نوشیروانی

دکتر هوشنگ کسروی ۵۰۰ دلار برای سال زمرد هرمزدار تهمتنی

بانو گلبنو عزتی ۱۰۱ دلار برای سال روانشاد بهرام رستم فروغی

بانو هما ایدون سهراب ۱۰۱ دلار برای سال روانشاد مهربانو بهمن بهزیز (ایدون)

آقای پرویز اردشیرپور ۱۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد مهین رستمی بانوان پریسا و نازنین عزتی ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای مادرشان روانشاد

مهناز فروغی عزتی

دهش برای بازسازی نیایشگاه

آقای شهرام راوری و بانو هدیه کامکار ۳۰۰۰ دلار به نامگانه سیروس شهریار راوری و شاپور رستم کامکار

آقای بابک آبادی ۱۰۰۰ دلار

آقای پرویز اردشیر پور ۱۰۱ دلار

آقای بهنام آبادیان ۶۲۸۰ دلار

برجور پیتاوالا ۱۰۱ دلار

آقای اشکان باستانی و بانو سپیده باستانی ۲۰۰۰ دلار

آقای شهریار زمردی و بانو شکوفه بلندیان ۵۱۰۱ دلار

آقای داریوش فرزانه ۳۰۰ دلار

بانو مهرانگیز جم زاده به نامگانه ی روانشادان شیرین و اسفندیار جم زاده ۲۰۰۷ دلار

آقای رستم و بانو شبنم شیرمردیان ۲۰۰۰ دلار به نامگانه روانشادان مروارید جمشیدپور شریف آباد و رشید شیرمردیان شریف آباد

آقای مهران مهرفر ۱۲۱ دلار

آقای اردشیر و بانو شیدا انوشیروانی ۲۰۰۰ دلار

آقای جمشید و بانو پروانه بلندیان ۲۰۰۰ دلار



آقای مانک بوج والا ۱۰۰۱ دلار به نامگانه همسرشان ماهرخ بوج والا

دکتر سهراب ساسانی و بانو مهین بانو ساسانی ۲۰۰۰ دلار

آقای آرمین غیبی ۲۰۰۰ دلار

آقای داریوش فرزانه و بانو ارغوان دارابی فارسی ۱۲۵ دلار
 آقای عباس واتقی ۱۰۰ دلار
 آقای پرویز سهیل ۱۰۰ دلار
 آقای تام باد ۱۵۰ دلار به نامگانه روانشاد سیروس راوری
 خیراندیش ۱۰۱ دلار
 خیراندیش ۱۰۰ دلار
 آقای شهروز اش ۵۰۰ دلار

اخبار لس آنجلس

مرکز زرتشتیان لس آنجلس (ولی) به مانند گذشته کوشش نموده تا با برگزاری کلاسهای آموزشی و تفسیر گاتها و انجام کلیه مراسم دینی به مانند گاهانبار و یا مراسم زیبایی یاد و خاطره پیرسیز که مانند همیشه با دهش یک خانواده خیراندیش و به همت گروه گاهانبار مرکز زرتشتیان لس آنجلس و همزمان با برگزاری این مراسم در ایران برگزار می شود.
 همچنین برنامه های تفریحی و رقابتی مانند تورنمنت تخته نرد، شطرنج، پینگ پنگ، فوتبال دستی و با همراهی دوستان پژوهشگر و متخصص و انجام سمینار و سخنرانی در باره سلامتی و موضوعات روز رسالت خود را به عنوان یک مرکز فرهنگی و دینی انجام دهد.



با تشکر ویژه از هیئت مدیره دوره چهارم، پنجمین دوره انتخابات مرکز زرتشتیان لس آنجلس نیز در ماه جون در ساختمان آبادیان سالن شرکا و شیدفر انجام شد و خانمها میتر زرتشتی، ماندانا انوشه، گلی فروغی، سوسن باختری، مهنز ایدون و آقایان مهرداد زمردی، گشتاسب استاد و مهران پوردهقان بعنوان اعضا گروه جدید انتخاب شدند.
 مرکز زرتشتیان لس آنجلس همواره آماده پذیرش راهنمایی ها و همکاری شما همکیشان عزیز می باشد. شما میتوانید با شماره تلفن ۸۱۸۶۱۰۸۶۱۰ و یا ایمیل

bod-czcla@googlegroups.com

با ما در تماس باشد. آدرس مرکز زرتشتیان لس آنجلس

De Soto Ave , Canoga Park, CA, 91307 6515

که روزها فرد از ساعت ۱۰ تا ۴ و روزهای وره رام ایزد باز میباشد.
 بیایید با همبستگی و کوشش و همیاری به مانند نیاکانمان در حفظ و نگهداری

بانو شبیم پاک سرشت ۲۰۰ دلار
 خانواده خسروی ۵۰۳۳ دلار
 آقای همی گاندی ۱۰۰۰ دلار
 آقای پرویز منوچهری و بانو مهرناز عزتی ۵۱۰۱ دلار
 بانو گوهر بهدادنیا ۱۱۰۰ دلار
 دکتر منوچهر گشتاسبی و بانو شیرین امانت پارسی ۱۰۰۰ دلار
 آقای شیرمرد فرمند و دکتر شیرین مهداد ۲۰۰۰ دلار
 بانو نازیلا شمس ۲۰۰۰ دلار
 بانو ژیلا کاشف ۱۰۰۰ دلار
 بانو رویا حیات ۱۰۰۰ دلار
 آقای فرجام اصلانی ۵۰۰ دلار
 جی م هرین ۲۰۰ دلار
 آقای تیرانداز گشتاسبی ۱۰۰ دلار
 آقای فرزام افشار ۹۰۰ دلار
 بانو شهلا اعتدالی ۱۰۰ دلار
 آقای فرهاد فرهی ۲۰۰ دلار
 بانو مهوش پارسایی ۱۰۰ دلار
 آقای اردشیر باغخانیان ۵۰۱ دلار
 آقای ابوالفضل هادوی ۵۰۰ دلار
 آقایان بهروز و فریبرز پور بهرامی فر ۷۷۷ دلار
 آقای فریدون و بانو فرانک گشتاسبی ۲۰۰۰ دلار
 آقایان آریا، سام، رایان کیخسرو شاهرخ ۳۰۱ دلار



آقای رستم آدریبهی ۵۰۰ دلار
 بانو مهرآور شریف آباد ۵۰۰ دلار
 دکتر نیکان خطیبی ۱۰۰۰ دلار
 دکتر بهرام فرشیدی و بانو الهه فرشیدی ۱۰۰۰ دلار
 دکتر مهرداد آزرمی ۲۵۰۰ دلار

دهشمدان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

آقای داریوش ایرانی و بانو بیسی به مناسبت سدره پوشی نوه شان کامران ۱۰۰۰۰ دلار

آقای مرزبان مرزبانی ۱۵۰۰ دلار

هوشنگ رستمی 200 دلار
شیرین باستانی 250 دلار
هرمز خدادادی 101 دلار
خدایار دمهری و پروین خسروانی 200 دلار

ایرستانم اوروانو یزמידه یا اشه انام فروشه یو به روان و فروهر همه درگذشتگان پارسا درود باد

هموندان گروه زنهانداران و مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا درگذشت دکتر آبتین ساسانفر را به همسر ایشان مهرافرز فیروزگر، فرزندان و همه دوستداران آن روانشاد آرامش باد گفته تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم.



این آیین و فرهنگ اهورایی کوشا باشیم.
دهشندان مرکز لس آنجلس
آقای دکتر شهرام قندهاری زاده ۳۰۰۰ دلار
خانم مهرداد اهورایی بنامگانه برادرشان روانشاد مهرداد اهورایی ۲۰۰ دلار
آقای سیامک کریمی ۶۰ دلار

اخبار سن دیگو

- پخش فیلم
برای نخستین بار در سن دیگو اکران فیلم سینمایی به صورت همگانی در سالن "کازابلانکا" در تاریخ یازدهم ژوئن دو هزار و هفده به همراه پذیرایی شیرینی و شربت و پاپ کورن با مدیریت اعضای انجمن برگزار گردید.
- تور پیرسیز
تور پیرسیز در تاریخ هجدهم ژوئن دو هزار و هفده از سن دیگو به سمت کوه پسیدانا به همراه پذیرایی شیرینی و نوشیدنی با مدیریت اعضای انجمن برگزار گردید.
- گهنبار میدوشهم گاه
طبق روال گذشته مراسم گهنبار در تاریخ بیست و پنجم ژوئن دو هزار و هفده در سالن "داو کنیون" سن دیگو با مدیریت اعضای انجمن و همکاری عاشقانه همکیشان گرامی در تدارکات مراسم همراه با خیرات کوکو سیب زمینی برگزار گردید.
- جشن تیرگان
جشن تیرگان در تاریخ نه جولای دو هزار و هفده در کیت کارسون پارک با مدیریت اعضای انجمن و حضور همکیشان به صورت سفره همگانی برگزار گردید.
- بزم شب
بزم شب برای جوانان زرتشتی در تاریخ بیست و دوم جولای دو هزار و هفده در سالن آلاماز با پذیرایی شام و هنرمندی دی جی شان با مدیریت اعضای انجمن برگزار گردید.
- کلاس آموزش اوستا و گردهمایی خردسالان زرتشتی
با مدیریت اعضای انجمن و همکاری بی نظیر والدین، خردسالان و نوجوانان جامعه زرتشتیان سن دیگو هر یکشنبه در سالن "کازابلانکا" گرد هم آمده و در آموزش های دینی و اوستا خوانی شرکت می کنند.
بعد از صرف ناهار دست جمعی کودکان با یکدیگر بازی کرده و در فعالیتهای گروهی مانند سرود خوانی و رقص شرکت و از حضور یکدیگر لذت میبرند.
- گردهمایی بانوان
گردهمایی بانوان زرتشتی در تاریخ بیستم اگست دو هزار و هفده در هیلتاب پارک سن دیگو به صورت پیاده روی و ورزش دسته جمعی با مدیریت اعضای انجمن برگزار گردید.

خیراندیشان سن دیگو

داریوش باستانی 101 دلار
اردشیر خسرویانی و دیبا ایزدیار 100 دلار
تیرانداز گشتاسبی 160 دلار

با مدیریت آرین اقبالی



The Credit Repair Specialist



برای ترمیم ، تصحیح و بهبود کردیت و کاهش بدهی با ما تماس بگیرید.

- Late payment
- Collection
- Charge off
- Bankruptcy
- Foreclosure
- Chexsystem
- Judgement
- Tax lien
- Repossession
- Inquiries



مشاوره رایگان
www.enrichfin.com

800-790-4240

California Zoroastriann Center
8952 Hazard ave
Westminster , Ca 92683

Non-profit Org
U.S. Postage
PAID
Permit No. 12300
Huntington Beach, CA 92647

Chehreh Nama

Publication of California Zoroastrian Center

Z-camp Santa Barbara

The lioness club



Issue No. 183

September 2017

WWW.czcjournal.org

Professor
Kaikhosrov Irani



Editor's note :

I recently read an article on 23 year old "New Einstein" Sabrina Pasterski who is a Ph.D. candidate at Harvard. She built her own single engine plane at the age of 14 and documented it on You Tube. It caught the attention of MIT who was astonished not just because she was so young but because she was a "girl". I found it astonishing to read such a comment in the year 2017 in the western world.

The reality is women have shown character, strength, intelligence, leadership and courage alongside men for thousands of years but for the most part were unsung heroes or hidden figures. It is up to us to keep reminding the community of women's valuable contributions to society by sharing their story. Our guest editor Ms. Saghar Javanshir touches on this subject and the power of giving to a community in Iran, India, Pakistan and U.S. She has showcased the minority Zoroastrian women who combined their intelligence and vision with their strength and created clubs or organizations that for years benefited the community. She also introduces 3 women through their biographies who have impressively reached high academic and professional positions not imagined for women especially a Zoroastrian one.

In addition we read Dr. Kaviani's research on immigrant experiences of the Zoroastrian Iranian Americans and his findings of rapid disappearance of their native (Dari) language.

Wishing all of our readers a beautiful and plentiful autumn.

**Ushla,
Fariha**

Graphic Designer
Kevin Yektahi

Awarded for best director and best movie in
Iran animation festival (2010)

- * Business Cards & Logo Design
- * Letter Heads & Brochure Design
- * Photographer
- * E-mailer Design or Banner Design

Email: kevinjektahi@gmail.com Tel: 949.2787675
Web Site: keikhosroart.wix.com/kaynew



California Zoroastrian Center
8952 Hazard Ave Westminster, CA 92683
Chehrenama's Email :
cninfo@czcjournal.org
Tel : (714)893-4737
Fax: (866)741-2365
czc publication's website :
www.czcjournal.org



You can now donate online to any czcpublication go to :
www.czcjournal.org and the bottom of the page you will see following
please consider donating to chehrehnama

Thank you
CZC will send you IRS accepted receipt for any amount of donation

Graphic Design & typesetting :
Kevin Yektahi
Internet :
Ramin Shahriari

Editorial Policy :

The opinions expressed in articles we publish are those of the authors , and may or may not represent the views of the Editorial Board of Chehrehnama, or the Board of Directions of CZC
Chehrenama is a quarterly publication published in March, June, September and December

This publication is printed with the help of donation from Morvarid Guiv Trust

My encounter with an intellectual giant; Prof. Kaikhosrov Irani

By Shahrooz Ash

The following recounts one of my most memorable experiences- meeting Prof. Kaikhosrov Irani.

The year that I had the privilege of coming to know Prof. Kaikhosrov Irani was in 2005. I was a student at UCLA studying philosophy. I came to know about Prof. Kaikhosrov Irani through the Zoroastrian community and discovered that he was an intellectual giant. He was a retired Philosophy Professor from City College of New York and the last 9 years of his employment he was the President of the faculty. I don't want to get into much detail or micro information in terms of his academic credentials and achievements because it will leave me no writing space for this expression of my experience with him. I was anxious waiting to encounter him and felt a little intimidated; thinking that perhaps I lacked knowledge of the issues that I wanted to discuss with him.

I traveled from California to New York City to visit him on two separate occasions. On the first trip I arrived late evening to New York and headed to my hotel room. The next morning I arrived at his home and rang his door bell. He opened the door and kindly welcomed me in. We exchanged greetings and I stepped inside the foyer of his home. I immediately noticed that the view of the spacious home was completely obstructed or blocked by mountains of books piled from the floor to the ceiling.

He was very warm, hospitable and instantly made me feel at ease in his presence. He offered to make me tea, but I insisted that he relax while I made the tea. He accepted and showed me where the tea, sugar and milk were kept in his kitchen. I expressed to him that my plan was to return back to New York in a few months with a camera crew, sound, and light person to record him. My interests were to discuss: the Origins of Philosophy, Good and Evil in the Zoroastrian belief, Freewill, Body and Mind, Middle Platonic Thought, Separation of Church and State, Cyrus the Great, and Zoroastrians-By-Choice. He accepted my



Mr. Shahrooz Ash attended Kingston College and Richmond College in London where he studied engineering. He then moved to the United States and attended the Los Angeles Valley College and UCLA to study philosophy. He is also the founder of a non-profit called Lord of Wisdom, established for the prevention of child labor. He is involved in the Zoroastrian community as a part of many organizations including: The World Zoroastrian Council, The Zarathushtrian Assembly, Zoroastrian studies at Claremont Graduate University, The California Zoroastrian Center as the editor of the Zoroastrian Journal and educator.

requests. We briefly discussed these topics and philosophy in general for around 3 to 4 hours before I said good bye and parted ways. I was absolutely amazed at the level of his knowledge, the clarity of his thoughts and his use and command of language. The excitement of my experience with him that day prevented me from sleeping that night; contemplating the mechanics required for the interview with this brilliant person on camera.

I knew that he had three PHD's in Chemistry, Physics, and Philosophy. Prof. Kaikhosrov Irani became Emeritus Professor of Philosophy at the City College of New York, after teaching there for 41 years. He was Chairman of the Department for nine years. He was also the Director of the Academy of Humanities and Sciences for 12 Years. Prior to his employment there, he worked on some projects as a young man with Albert Einstein. Einstein gave Prof. Kaikhosrov Irani a good recommendation letter for academic employment. He was also very fond of the great thinker Emanuel Kant.

Prof. Kaikhosrov Irani's knowledge of Zoroastrianism, particularly the Gathas, and his ability to place the subject in the wider space of history of Philosophy yielded much fruit for the community of philosophers. Prof. Kaikhosrov Irani had a firm belief in the teachings of Zarathushtra and was dedicated to the Zarathushtrian principals. He stood-up against Zoroastrian communities that had gone astray from Zarathustra's original teachings, by replacing the philosophy with mythical rituals unrelated to the cohesive message of the Gathas. His academic genius enabled him in a unique way to present and teach the message of Zarathushtra in a very simple form that any person could grasp. He taught in a clear and coherent manner that most people could easily understand. We are fortunate to inherit his legacy as a mastermind in the rank of great philosophers.

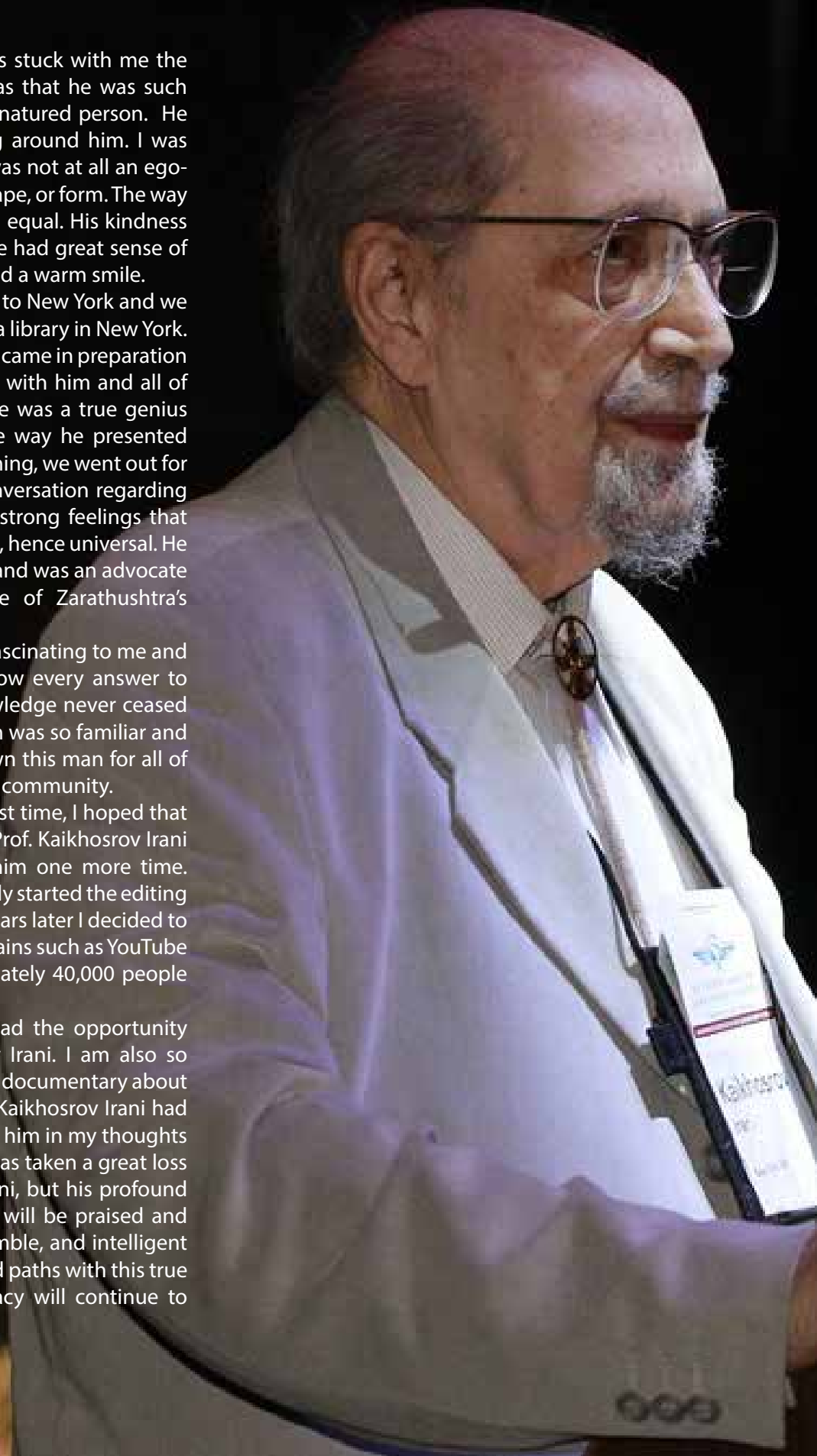
One of the things that always stuck with me the most about Prof. Kaikhosrov Irani was that he was such a humble, down to earth, and good-natured person. He always made you comfortable being around him. I was very surprised by his demeanor; he was not at all an ego-centric or cocky person in any way, shape, or form. The way he communicated with me was as an equal. His kindness is something that I will not forget. He had great sense of humor and was quick to laugh and had a warm smile.

A few months later I returned to New York and we met at the location to film which was a library in New York. A camera, sound, and lighting crew all came in preparation for the filming. I began my interview with him and all of his responses were mind blowing. He was a true genius and a prodigy in the true sense, the way he presented each topic was seamless. After the filming, we went out for dinner and picked up on our last conversation regarding Zoroastrians-by-choice. He showed strong feelings that Zarathushtra's vision is for all mankind, hence universal. He rejected all notions of tribal thinking and was an advocate of individualism; which is the core of Zarathushtra's thinking.

All of his thoughts appeared utterly fascinating to me and I eagerly listened. He seemed to know every answer to every question I asked him. His knowledge never ceased to amaze me. My interaction with him was so familiar and comfortable that I felt like I had known this man for all of my life. He was a fatherly figure in the community.

As we embraced each other for the last time, I hoped that I would have the opportunity to see Prof. Kaikhosrov Irani again to possibly collaborate with him one more time. Upon my return to Los Angeles I eagerly started the editing process of the documentary. A few years later I decided to post the documentary on public domains such as YouTube for other people to watch. Approximately 40,000 people view the film annually.

I am so fortunate to have had the opportunity to be mentored by Prof. Kaikhosrov Irani. I am also so grateful to have an outlet to share this documentary about Zoroastrianism with the public. Prof. Kaikhosrov Irani had so much to offer the world. I will keep him in my thoughts forever. The Zoroastrian community has taken a great loss in the passing of Prof. Kaikhosrov Irani, but his profound achievements and accomplishments will be praised and cherished forever. He was a wise, humble, and intelligent person. Blessed are those who crossed paths with this true Star of Wisdom. His everlasting legacy will continue to impact many lives for the better.



ChehreNama's guest editor for this issue is Ms. Saghar Javanshir. Her theme is the power of giving at community level and is focused on Zoroastrian women in various countries and organizations they founded. As well as biographies of three Zoroastrian women who stepped beyond their boundaries and reached positions that women did not achieve in their era. We thank Ms. Javanshir and her invited guests for their contribution to this issue.

The Power of Giving At Community Level

Saghar Javanshir

Throughout the history, communities have played an integral role in the survival and vitality of their members and surrounding cities. Zoroastrian communities are of no exception. An impossible task by an individual or a single family, or a business becomes possible through the collective power of the community members. Teaching children about the strength of collective giving remains one of the most important tasks of the parents and local communities.

The next collection of articles provide a brief review of the historical achievements of a few Ladies Clubs located in Pakistan, Iran (in Farsi section) India and United States. Karachi Zarthosti Banu Mandal with over a century history of contributions to the Zoroastrian community and beyond is truly an inspiration to all generations. Lioness Club in India is an example of women from different backgrounds including Zoroastrians coming together collectively to give back to the community. Organizing extensive community programs in addition to the creation of Zoroastrian Youth Center, Kanoone Daneshjooyan, are examples of what could be achieved by the members of Sazmon Zanan Zartushti in Iran. Finally, with the new Zoroastrian diaspora, the efforts continued in the United States as reflected in the achievements of ZANT Ladies Club. These impressive examples of community achievements would not have been possible without the support of the entire community including many men, youth, families, and their circle of friends and relatives. Education, health, and progression of youth remain a common goal for all the community support programs.

Mentors and good role models have always played an important role in inspiring individuals and communities.

Toxy Cowasjee, Parimarz Firoozgar, and Shahnaz Kianian-Firouzgar are examples of such role models. Toxy Cowasjee with her exceptional leadership has provided lifelong service to her community. She has been a true inspiration to her community and beyond. Parimarz Firoozgar, the first woman mayor of Iran, also made many contributions to the wellbeing of her local community. Her efforts is also reflected on personal level. Through her position in UNICEF, Shahnaz Kianian-Firouzgar contributed to local communities at worldwide level.

We need to prioritize strengthening our community support capabilities within the United States by joining forces, creating new paths to meet the needs of communities, and learning from history to achieve our goals successfully. As proven by history, Ladies Club within Zoroastrian associations are proven to be a successful platform to serve communities

Karachi Zarthosti Banu Mandal

The Power of a Community's Giving Hand

Karachi Zarthosti Banu Mandal (KZBM) was established by a group of far sighted ladies on November 11, 1912 at the residence of Mrs Goolbai Nusserwanji Mehta on Elphinstone Street now known as Zebunnissa Street. Other founders included Soonamai Pochaji Jeejibhoy, Cooverbai Maneckjee Dhalla, Dhunmai Sethna and Manijeh Hommie Mehta. The mastermind behind this was a lady called Shirinbai Dadabhai Collector who wrote a series of articles in the Parsi Sansar in 1910, for starting a Mandal.

The constitution was drawn up for KZBM with the help of Mr. Jamshed Nusserwanji Mehta, Mr Ardeshir Mama and Dastur Dr Maneckjee N Dhalla giving us the mission statement of "Seva & Sakhavat", meaning "Service and Charity", which is of paramount importance to us even today.

KZBM was the sister organization to the Young Men's Zoroastrian Association, established a year earlier. Mr Sohrab Hommie Mehta built and donated the present building which is located in the Sohrab Katrak Park, Parsi Colony. The Parsi population of Sindh in 1911 was 2,411 out of which 2,202 were living in Karachi. On 14 March, 1999 there were 2,379 living in Karachi and total of 2,565 in entire Pakistan.

Mr Jehangir RPunthakey in his booklet The Karachi Zoroastrian

Calendar, printed in 1919, wrote 'With the establishment of this Mandal, the income of poor Parsi women has improved considerably and to a great extent idleness has decreased. From inception the needy were supplied with medicines, taught sewing, embroidery and other skills enabling them to have extra income. Annual cooking and elocution competitions were held amongst members. According to the records, there were 140 members in 1919, and 691 in 1998. The membership fees stayed the same as inception.

KZBM conducts workshops, sends the youth to participate in Zarthusti Congresses and sports events, assists in National fund raising schemes, and network globally with our Zarthusti organizations. Besides giving remuneration to the indigent, KZBM takes them out to provide moral support whenever needed, gives clothing to the elderly and children in addition to providing household linen and food hampers averaging four times a year. KZBM pays the medical bills of indigent patients of the Parsi General Hospital and donates linen once a year to the hospital. KZBM plays an active role in networking with the rest of the community especially in North America.

Some of KZBM Community work and associated timelines are as follows:

1914-18- Played its part in WWI & it is recorded that 6000 stitched clothing was sent annually to the Sindh Women's branch.
 1919- Helped Karachi during influenza epidemic & famine
 1925- Received Silver Medal for sewing, cutting, & embroidery displayed at an exhibition held in Karachi.
 1933-1935- Donated to Bihar Earthquake Fund, Quetta Earthquake, Zarthoshti Relief Funds with prayers for departed souls
 1936- Started central education fund
 1952- Took an active part in function welcoming Eleanor Roosevelt
 1956- Specific sub-committees were formed which stand to this day. In order of commencement they are: Welfare, Rehabilitation, Medical, Education, Child Welfare, & Program

1958- Dr. Holland visited Karachi, and KZBM arranged for community members to have eye check up
 1965- Indo-Pak War work carried out by a special committee of Mandal's, where the community joined in whole heartedly by way of cash & kind. Gift packages of essential items made. Knitted pullovers, scarves, stockings, stitched pajamas, shirts & quilts and old clothes were sent. Approximately 2,996 items of stitched & knitted articles, 214 utensils and 150 mattresses with Rs. 836 in cash was sent.
 1968- The youth were sent abroad for higher education. Commenced giving interest-free loan scholarships to students who studied abroad.
 1969- A month of Seminars and symposia were organized under the leadership of KZBM
 1973 - During flood calamity in Pakistan, KZBM sent 300 tins of cooking oil, blankets, food parcels to the Directorate of Social Welfare, Sind.
 1991- KZBM published its own cooking book
 1995- Started a business interest-free loan facility scheme
 April 1998- Constitution was brought in sync with the 21st century with approval of general body.
 July 1998- A Book Society was formed triggered by the fact that KZBM received a large donation of books from Karachi American School.
 2000- "Discovering Ashavan" a novel by Farishta Dinshaw was launched. This book is available at Amazon.com.

2002- Sands of Time, the history of the Mandal with brief sketch of Zarthosti associations in Karachi was launched and its copies were sent to K.R. Cama Institute, SOAS Library and U.S. Library of the Congress in 2004

2001- Friends Medical Helpline set up to assist retired middle class
 2005- Medical Loan Scheme was introduced
 2009- Marriage Loan introduced to assist newly married to set up their home
 2011- Centenary celebrations commenced with vigor and joy and concluded in 2012

2015- Opening of Arman Home for senior citizens. It is in a colony where the largest number of our community resides, making it a small first step to provide lonely elders care and comfort in a residential environment. Other activities of Karachi Zarthosti Banu Mandal include: extensive involvement in child/youth education/health, monthly monetary assistance, monthly medical assistance, yearly sales to assist community to sell their wares, Annual BWA Christmas Bazaar, Friends of APWA Bazaar, and children assistance with school fees.

The above highly successful achievements were made possible by KZBM, started by a few ladies with good will and determinations, who advanced the lives of all the people they touched, one person at a time.



Saghar Javanshir is an active member of Zoroastrian Association of North Texas (ZANT), currently serving as a member of ZANT Education Subcommittee. Professionally, she is a practicing Physical Therapist at THR Presbyterian Hospital in Dallas. Saghar Javanshir was one of the board members of the First North American Youth Congress in Los Angeles. She has also served two terms as a secretary and a term as Vice President on ZANT Board of Directors. Additionally, she served a term as Secretary on FEZANA Executive Board. Currently, she is the Co-chair of FEZANA Small Groups Committee. Saghar Javanshir has been consistently involved with youth groups, educational programs and community service where her passion rests.

The lioness club- and Bapsy

Daruvalla

Tish Cama

The historical aspects of India can be narrowed down from the Taj Mahal to the Gateway of India but one of India's oldest treasures is held in the culture of people it is associated with. The caste system is prominent separating people into class divisions and from this comes an increased desire to help and donate time towards those less fortunate. The lioness club is a prime example of this devotion to creating a more humble and volunteering society. The lioness club was established in India in 1956 with over 6,000 clubs and over 2 million members. Currently India is ranked as the second largest and fastest growing division of the club in the world after the United States of America. The club was created with the intention to create a platform for women to volunteer in the community and build a reputation of strong and independent woman. In addition to the community work, the Lions Club International Foundation has provided over \$901 million in grants globally and India has contributed to over \$84 million with over 1500 projects. Women would participate and lead many charity groups such as eye health and diabetes awareness projects, assisting rehabilitation facilities, youth education, assistance to those suffering in poverty, the hospital of the deaf and dumb, Victoria Memorial (School for the Blind), and a number of other charitable donations in time and support.

In 2003, the lioness club inducted Bapsy Daruvalla to chair the organization as president. Bapsy headed the volunteers every month through charities such as ASHA Sadan (the house of hope) housing children and young women which was originally started by Mother Teresa in the early 1950s. She would assist with caring and teaching the children while providing food and technology and giving that touch of humanity which so many young children desired. Before joining this organization, Bapsy worked with the Save the Children's fund which received global funding to assist in children education and security. She would financially assist children to have children's navjote done when their families could not afford it, tutor students lacking in extra educational help, teach sewing classes, held book clubs, and much more to give the community a closer touch with one another. Bapsy passed away in 2012 and left a legacy behind her which will never be forgotten and her children still look up to on a daily basis.

This year will result in the closing of the lioness club where members and projects will transfer to be in association with the lions club. Over the last 60 years the club has had a significant impact on the community and individuals and will continue to do so after joining forces with the Lion's club.



Tishtrya Cama will be attending the University of Arkansas as a freshman this upcoming fall with a double major in communication and journalism. Tishtrya has received many awards in journalism including 4 national titles in photography, 8 state awards, 3x gold star recipient in broadcast, & Producer of the Year in the state of Texas. She also holds 18 medals in wrestling earned over the last 4 years. Tishtrya's professional goal is to become a successful journalist.

ZANT Ladies Club

Power of Harmony in Thoughts

Mary Tengra

The Zoroastrian Association at North Texas (ZANT) Ladies Club started with an early morning walk in the woods at Hugo State Park in Oklahoma in spring of 2011. While carrying conversation on different topics, a few ladies decided to start a ladies club. Nina DeLucci and Mary Tengra were the originators of the group and after consultation with ZANT board organized the first meeting at ZANT center in Flower Mound.

During the first meeting, several choices of activities were presented to those present and based on participants' votes, ZANT's Ladies Club (ZLC) started its many activities such as: Painting with a twist, museum trip, cooking class including international cooking, introduction to yoga, weekend trip to the ocean, cultural events such as learning how to wear a Sari, wine tasting with lecture on how to make quality homemade wine, British Tea Party, dancing events, gardening, visiting botanical gardens while having a picnic, community support activities, and charity projects.

Through above activities, ZLC grew in the number of participants while inspiring others to participate for the first time. ZLC also organized community support events such as: forming a phone tree to call seniors and elderly during lonely daytime to talk about their topic of interest, visit sick at their houses, hospitals, or long care facilities.

ZANT Ladies Club also took on charity projects. ZLC adopted a Life Center of adults with special needs. ZLC made bags, collected socks and shoes, gave out dental needs, and visited the residents regularly. Additionally, canned food drives at the meetings brought in hundreds of pounds of much needed food for the local charities. Talented Ladies started an herb garden at the ZANT center which provided herb supply for the tea during ZANT events, cooking at center, and for individual use of the community members. ZLC also make itself available to assist at community events such as ZANT Anniversary Carnival to help with planning, coordination and cooking.

Special thanks to Nina Dilucci who is no longer with us. Her amazing perseverance, dedication to community work at all levels, and passion and love for ZANT will always be remembered and appreciated. A note of appreciation to Rakhshandeh Dhalla, who served as the Assistant Coordinator in the past ZLC events, while still actively involved as one of the coordinators with special passion for community service.

An ordinary dialogue between a few ladies at a camping ground became a powerful force to support the ZANT community & beyond, strengthened the bonds between community members while creating new friendships.



Mary Tengra lives in Cedar Hill, Texas. She is currently serving as one of the coordinators of Zoroastrian Association of North Texas Ladies Club. Mary Tengra is also involved in many other charity groups: Lake Ridge Golf Tournament, and Susan G. Komen 3 Day are just a few. She is the mother of 3 children and 3 grandchildren and married to Phero Tengra.

partnerships. She retired from UNICEF in April 2011. After her retirement, Shahnaz continued with her community work by volunteering at senior centers.

Shahnaz Kianian-Firouzgar



Shahnaz Kianian-Firouzgar obtained her Bachelor of Arts (BA) degree from Swarthmore College and her Master of Arts (MA) and Master of Arts in Law and Diplomacy (MALD) from the Fletcher School of Law and Diplomacy, Tufts University, USA. She joined India Office of the United Nations Children's Fund (UNICEF) in March 1976 and began her career as Assistant Programme Officer working on a planning and implementation of a national nutrition programme.

She served in various capacities in UNICEF's Headquarters' office in New York including as Programme Officer and Acting Chief of Middle East and North Africa Section, Division of Programme Field Services. She was Chief of Recruitment and Staff Development Section in the Division of Human Resources, in charge of management of a global recruitment and placement service for international staff and technical posts.

She worked as Country Representative in Oman and Mali, responsible for all aspects of UNICEF cooperation programmes with national governments including their development, implementation, monitoring and evaluation. She worked collaboratively with the governments, national institutions, stakeholders and partners for achievement of results for children. She led each office team and managed the country office operations

In June 2000, she assumed a regional function in Geneva, Switzerland, as Deputy Regional Director for the UNICEF Regional Office for Central and Eastern Europe and the Commonwealth of Independent States covering 22 countries. In this capacity she provided advice to the Regional Director and Representatives on global and regional policy formulation and programme strategy development, oversight and quality assurance for programme management and implementation, and guidance and special support to countries in emergency and crisis. She guided and managed a multi-disciplinary team of Regional Office programme professionals to achieve organizational goals and objectives. Other major responsibilities encompassed high level contacts with regional institutions, governments, and donors for advocacy, alliance building and resource mobilization; development of partnerships with United Nations (UN) agencies and promotion of UN reform and coherence efforts; focal point for relations with the Council of Europe Development Bank.

In her last posting she served as Associate Director (Principal Advisor, Global Programme Partnerships) in Geneva overseeing and supporting institutional engagement in programme

Parimarz Firoozgar



Parimarz Firoozgar, the youngest child of Goshtasb and Homayoun Firoozgar, was born in Tehran, Iran. She was among the first class of women to attend Law School at Tehran University. After receiving her law degree, Parimarz Firoozgar traveled to the United States to further her education. She was not only amongst the first Iranian students to travel abroad, but also, paved the grounds for women to pursue higher education overseas. She received her second degree in Psychology from UCLA in 1955.

Upon returning to Iran, she helped her husband, Jamshid Javanshir, build one of the first summer resorts in Mazandaran, Iran. They named the resort Motel Ghoo (Swan Motel), which eventually became one of the well-known cities in northern Iran. Moreover, she served as the first woman mayor of Iran. As the mayor of Tonekabon, she improved the city's water quality, health care system, postal system, and brought in power and electricity services for citizen's use. She is an advocate of women's education and their importance in the upbringing and education of children. As a result, she helped building day school for children and night school for adults. In addition, she donated her salary to the betterment of the city's needs such as purchasing firetrucks for the city. She also dedicated her time to community work such as the case of saving the life of a woman in miscarriage, having to drive her in the rain to the nearest city for emergency operation.

Parimarz Firoozgar served as the first woman judge of the Small Claims Court in Mazandaran. During her role as a judge, she resolved many community disputes at different levels.

After moving back to the United States in 1979, Parimarz Firoozgar served on California Zoroastrian Center Board of Directors in late 1980's and has been one of the founders of Zoroastrian Assembly. She continues to volunteer her services in Southern California Zoroastrian Community and believes in the power of unity within Zoroastrian community.

TOXY COWASJEE

Editor

TOXY COWASJEE, Editor of the Zoroastrian Journal, is a well-known and respected figure in the community. She has been instrumental in the development of the journal and has been a driving force behind its success. Her dedication and passion for the community are evident in her work.



Toxy Cowasjee

The Jewel of the Community

Toxy Cowasjee, lived and dreamed the Karachi Zarthosti Banu Mandal (KZBM) all 30 plus years that she was involved with it. She brought enthusiasm to every event and occasion, adding to it her signature style and grace.

During her involvement with the Mandal, Toxy Cowasjee worked on most of the subcommittees, unlike any other President. She was on the Rehabilitation, Education, Child and Program committees and served as the most dynamic and vibrant President from 1994 to 2001.

Toxy Cowasjee served as the Chairlady of Child Chapter during 1974 to 1978. Her programs have lived on in the hearts of the children she entertained and inspired. She gave them the time of their lives with memorable trips to Lahore and to Mohenjo-Daro; summer camps every year, picnics, car rallies and walkathon. Swimming and volleyball coaching, field trips to classical concerts, and even having elections with a child president reporting to Toxy, inculcating leadership in children. With her love for children, their education could not be far from her heart. She threw in herself passionately to this cause too. She made a start by writing to her friends and leading Trusts in the city to donate for the Mandal's Diamond Jubilee Higher Education Fund giving a huge boost to the Fund enabling the Mandal to give loans to 5-7 students every year, which has turned around their lives of those students. Toxy's other main and far reaching contribution in Education is her full focus on students with learning difficulties. She silently and singly initiated search for an appropriate school to provide education for such students. It was a difficult task which she undertook with persistence leading her to become the very able and qualified Education Chair. As a result of Toxy's efforts, these children have secured acceptable education and their parents do not face the anguish that was experienced by such parents a generation ago. "Happiness unto her who brings happiness to others" aptly fits her here.

The Program Committee had a complete turn-around with Toxy Cowasjee's active involvement. She gave the community a cultural exposure never seen before such as: collecting and hanging 150 beautiful torans from Karachi Parsi Ladies during an event, Sari Extravaganza, exhibition of Embroidery & amp, & jewelry exhibition of all 4 provinces of Pakistan. She placed the quiet local charity Banu Mandal on the global platform with her work being noticed by Zarthosti associations abroad. Her work was intense, perfect and far-reaching. All the active committees of the Mandal were stretched to serve and work beyond the comfort level of their members. Then there was a profusion of 'special projects' which Toxy largely single-handedly and often

single-mindedly provided for the community. She put KZBM in cyberspace with launching of its website; her earlier-launched "Manna of the Angels" was presented to Queen Elizabeth; and speakers and motivators were invited from overseas to expose the local community to global thoughts and progress. Earlier Youth Conference organized by Toxy in Karachi, led to sponsoring 16 youth to attend the World Zoroastrian Congress in Houston in 2000, where she participated as the International Representative.

Maybe the best way to describe Toxy Cowasjee is through the words of late beloved Alla aunty Bilimoria, who called Toxy a 'Comi Ratna' which means "The Jewel of the Community."



Report: An Invitation To Discuss and Deliberate

By Dr. Khodadad (Khodi) Kaviani



Khodadad (Khodi) Kaviani is Associate Professor of Education at Central Washington University in Washington State. His latest books (1) *Norooz with My Family*, and (2) *Mehregaan: The Triumph of Liberty over Tyranny*, are available on Amazon. 15 cultural songs highlighting the Iranian Zoroastrian traditions are available for free public access at <http://digitalcommons.cwu.edu/kaviani/>

To read the full study, go to:

<https://www.journalofacademicperspectives.com/current-issue/volume-2017-no-1/>

Abstract

About seven years ago, I began a research project about the immigrant experiences of the Zoroastrian Iranian Americans who have made California and Washington their home. Deploying group identity as a conceptual framework, and using a combination of surveys and semi-structured interviews to gather data, certain patterns and themes emerged. Zoroastrians are losing their language at an alarming rate as their younger members assimilate into the larger American society. The community has a unique opportunity to clarify its core beliefs based on Zoroaster's Gatha and update its practices, in order to attract the youth and new members. Additional studies are needed to further build on this research. As a first step, I recommend using this study as a discussion topic in order to better understand the main issues the community is faced with.

Secondly, through sustained deliberation with interested community members, a list of recommendations can be generated to address the diverse needs of the community.

Introduction

This research extends the work of John R. Hinnells by presenting a snapshot of the Zoroastrian Iranian-Americans in California and Washington State. By focusing on personal stories, a complex picture emerges that show the varied religious beliefs among these Zoroastrians, and their concerns and hopes about their future.

Two of the main research questions are: (1) What is happening to the Zoroastrian spoken language of Dari? (2) What does it mean to be a Zoroastrian?

Initial Findings

The result of the initial survey completed by fifty nine Zoroastrians showed that about 80 percent of them had college or university degrees. Almost half of those who understood the Zoroastrian dialect of Dari were able to speak it fluently. Also, 42.4 percent of Zoroastrians in this study could not speak Dari. Of those forty six families with children, 69.6 percent of the children did not understand Dari and 78.3 percent of them could not speak it. If the parents did not know the language, their children did not know the language either. Only about 10 percent of the respondents indicated that Dari was the dominant language spoken at their homes. Persian or Persianglish (combination of Persian and English) were the dominant languages spoken in their homes. When children spoke with each other, they spoke in English. We are witnessing the early signs of language disappearance, as fewer Zoroastrians are able to speak Dari and teach it to their children. This trend was later confirmed during the in-depth interviews.

As the Zoroastrian community in Iran ages and resettles in the US and elsewhere, it is reasonable to predict that fewer Zoroastrians will be able to understand and speak fluently the Zoroastrian dialect, if nothing is changed. I have seen this trend in my own family where my mother and father were fluent in Dari and communicated with each other in this language. When my mother was alive, I asked her why she did not speak Dari to her children. She told me that in 1925, when she came to Tehran from Yazd, she did not know Persian and had a difficult time communicating with the local shopkeepers. She did not want her children to experience those difficulties and that was the reason she spoke to us in Persian. Consequently, none of her six children learned to speak Dari fluently. Also, none of the

ten grand children living in the United States understand Dari and only three of them can speak Persian with some moderate level of fluency. This trend, if continued without intervention, shows the slow disappearance of the Zoroastrian dialect in the United States.

What it means to be a Zoroastrian

There was a wide range of interpretation among these participants on what it really meant to them to be a Zoroastrian. However, they all mentioned that (1) Zoroastrianism gave them the right to make their own decisions, (2) Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds constituted the core of their beliefs, and (3) protecting the elements of water, air, earth, and fire were important.

I was surprised to find such a wide range of viewpoints on their self-declared Zoroastrian identities. The viewpoints ranged from feeling a duty to preserve the Zoroastrian religion to having weak or no attachment to Zoroastrianism. For some of the participants like Shida (62, شیدا), being born into a Zoroastrian family was a source of pride. She believed that her ancestors had preserved the faith under very difficult circumstances, and now it was her turn to safeguard those values and pass them on to the future generations. She recalled a story that her father had told her when she was a child and it was from his youth. "When he used to pass through a neighborhood in the city of Kerman," Shida said, "...he would be harassed by Moslems who threw rocks at him and told him to get lost." Another story repeated by several people in this study was about the local Moslems not allowing the Zoroastrians to live inside the protective city walls of Kerman because they were considered "unclean" by the Moslem residents of Kerman, during the Safavid period. As a consequence, when the city came under attack in 1722 during the Mahmood Afghan's raid on the weakened Safavid dynasty, many were raped and killed. The story circulating in the community claims that many Zoroastrian girls and women committed suicide by throwing themselves into the wells. A travel diary written by Haaj Sayaah about 166 years ago, during the reigns of Naser al-Din Shah and Ahmad Shah Qajar, tells similar stories that show discriminations experienced by the Zoroastrians of Yazd. In his travel diary Mohamad Ali Sayaah Mahalaati writes about the Zoroastrians he met in Yazd. He writes: "In Yazd and the surrounding area, many Zoroastrians live there. They are hard-working, honest, harmless, and noble people. However, they live in

the worst conditions. In the city, they are forbidden from riding, and in the desert, even if they are riding, they must dismount and hold their two hands to their chests (a sign of submission and respect) if they meet a Moslem on the way".

Almost everyone in this study mentioned Good Thoughts,



Good Words, and Good Deeds as the guiding principles for living a good life. Aarmaan (49, آرمان), viewed these three ideas as the most comprehensive profound teachings of Zoroaster. These concepts meant to him that a person should first consult with his or her clear mind, then examine the ideas thoroughly by talking with others and finally, choose the best course of action for solving the problem. Aarash (26, آرش), argued that being born a Zoroastrian was the "easy part" and the real difficulty was living up to the three principles of Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds. He mentioned wars and environmental pollutions caused by human activities were examples of abuse of the four sacred elements of water, earth, air, and fire. For this newly arrived immigrant, Zoroaster was one of the people that he admired and tried

to use his teachings in his life by writing a selected verse on a piece of paper, each day of the week. Aarash said, "Today, I am going to live my life according to this quote." For him, the Zoroaster's Gatha was the real source of his religious belief.

Mahsheed's (مهشيد) Zoroastrian identity was influenced by being born into a Zoroastrian family and she liked the portions of the Gatha that she had studied. However, her identity transcended Zoroastrianism and she saw herself as "a lover of spirituality" and believed that Buddhists, Moslems, Christians, and others were good people too. What was important to her was making "heart to heart connections with others" and ultimately what really mattered to Mahsheed was being a trustworthy human being, and "being good for the sake of goodness." In Mahsheed's view, "Everybody else is good too."

A similar viewpoint was expressed by Shahriar (شهریار), 47, who argued that he had "moved beyond the tribalism." He saw himself part of a larger spiritual community that included Jews, Christians, and others. He said, "I have friends who are non-Zoroastrians and they are more Zoroastrian than many Zoroastrians I know. And I rather have them in my community than the tribe I was born into." For Shahriar, being a Zoroastrian meant "being honest with myself, committed to the truth, and have the courage to speak the truth."

Rostam, 50, was "extremely proud to be a Zoroastrian" because he believed that Zoroaster's ideas continued to be relevant today, and had "the smell of freedom, encouraging you to think. Zoroaster did not perform any miracles or things like that." Rostam was also impressed by the way Zoroaster introduced his ideas to others by giving people choices and asking them to think with a clear mind before deciding. He believed that many people recognized Zoroaster's teachings as a "philosophy" and not so much of a "religion."

Goshtasb (گشتاسب), 54, who claimed to know the basic fundamentals of Zoroaster's teachings, wanted to see a clear list of the ideas that Zoroastrianism stood for. He argued, even those Zoroastrians that were considered to be scholars and most learned people in the faith could not tell the community with 100 percent certainty all that Zoroastrianism stood for. According to Goshtasb, as the community has become better educated, progressed, and modernized, Zoroastrians were digging deeper into the meaning of Zoroastrianism. Certain accepted concepts were under review and questioned, while new definitions

were emerging. He argued that today, many believed the true message of Zoroaster was in the Gatha (Zoroaster's Songs) and not in the collection of various prayers known as Khordeh Avestaa, because the latter contained a variety of literature that their sources and messages were questionable. He said, "We have changed the meaning of our religion!" Therefore, as an important first step, "we should define our religion" and rewrite it by identifying the rituals and activities that are essential part of the religion and distinguishing them from the rituals that are objectionable to a thinking person today. He wanted to know if Zoroastrians really "believed in God or not" and what was the true nature of that God. He believed that by having a clear set of principles, the community would be more united and clear about its own religious identity, especially when some people in and out of the community referred to Zoroaster as a "philosopher" and not a "prophet" in a religious sense. Afsheen (افشين), 39, viewed himself as a member of the Zoroastrian community and considered Zoroaster to be a wise person whose teachings were useful to all humans, and encouraged people to help each other. His connection to the community was more "social and cultural" and not so much "religious." In fact, for Afsheen and many others in this study, putting emphasis on certain religious rituals, like praying five times a day or performing certain rituals like washing hands or wearing a cap before entering the fire temple, were seen as missed opportunities to really highlight the more important ideas of the freedom of choice, equality of men and women, and independent decision



making that Zoroaster promoted.

Shekoofeh (60, شکوفه), believed that Zoroaster's teachings gave her the right to make her own decisions. She also believed in the power of prayers and claimed, "By reciting the short prayers of Ashem Vohoo and Yataa Ahoo a few times, my problems get solved. It really solved them!" She believed, "The religion of Zoroaster tells us the truth, shows us the right path and how to live our lives. But we may not always be able to follow the right path because of life's circumstances."

Abtin (82, آبتین), who had changed his name from Abbas (عباس), believed that his new name represented his Iranian

and Zoroastrian identity and he did not want to be associated with "the religion of the Arabs." He encouraged other Iranians to "at least choose a name that was based on their Iranian identity" if they were not going to change their religion too.

Abtin said, "I see myself as a Zoroastrian who follows the Gatha to the best of my ability." For him, this meant believing in Ahura Mazda, who "created life and established life based on wisdom." In Abtin's view, in Zoroastrianism, humans are free to choose their paths in life and establish laws to govern themselves. There is also a separation of religion and politics as evidenced in the famous Yataa Ahoo prayer (نیایش اهورا) that specifically distinguishes between the concepts of Ratoo (رتو), the religious leader; and Ahoo (اهو), the social/political leader. He argued that because Zoroaster asked Ahura Mazda many questions (Haat 44) and did

not record any of the answers, or if he did, we simply do not have any records of them today, in the absence of such answers, "sciences and progress of knowledge will answer those questions in the future." Since there are no definite answers provided, it is assumed that people need to work together to find solutions to their problems.

References

Hinnells, John R., *The Zoroastrian Diaspora: Religion and Migration*. Oxford: Oxford University Press, 2005.

Shida interviewed by the author, July 5, 2010, interview 148A, transcript.

This was a group conversation and the topic of the Zoroastrian massacre at the city of Kerman came up. They did not want to be identified for fear of retaliation against their family members in Iran.

Sayaah, Haaj. *Khaateraate-e Haaj Sayaah, yaa doreye khof va vahshat*

(2nd ed.). p. 179. Tehran: chaapkhaaneh Sepehr - Moaseseye Enteshaaraate-e Amir

Kabeer. 2536 Shahanshaahi.

Aarmaan interviewed by the author, July 7, 2010, interview 152A, Transcript.

Aarash interviewed by the author, July 4, 2010, interview 158A, Transcript.

Mahsheed interviewed by the author, June 28, 2010, interview 143A, Transcript.

Shahriyar interviewed by the author, July 3, 2010, interview 156A, Transcript.

Rostam interviewed by the author, July 6, 2010, interview 166A, Transcript.

Goshtasb interviewed by the author, June 28, 2010, interview 144A, Transcript.

Afsheen interviewed over the phone by the author, June 30, 2013, interview 174A, Transcript.

This short prayer says, following Asha leads to happiness and happiness is for those who seek the best truth and live their lives accordingly.

Shekoofeh interviewed by the author, June 30, 2010, interview 149A, Transcript.

Abtin interviewed by the author, June 27, 2010, interview 140A, Transcript.

Ibid.

There are several similar translations on this prayer. This prayer is about recognizing the law of righteousness and using the power of good to help the poor and the needy.

Doost-khaah, Jalil, ed. *Avestaa: Kohantareen Sorood-Haa Va Matn-Haaye Irani*. 2 vols. Vol. 1. 44-50. Tehran: Enteshaaraate-e Morvaareed, 1375 H. S.

Do You Feel Zoroastrian?

Vivian C. Harvey

I do feel Zoroastrian. I tell my friends and family that I am from a special tiny ethnic group with an ancestry that goes back hundreds of years in India and even longer in Persia, and I am so proud of it. I feel a kinship especially with other members of my generation who are American but have the same unique background. We share similar mannerisms, similar foods, and similar values. We also understand how challenging it is to grow up with the pull of two cultures that can have very different mindsets at times — a feeling that is difficult for anyone else outside of our generation to fully understand. I feel that growing up, the ZAMWI association allowed me the opportunity to interact with others from a similar background and I am grateful for all of the adults who invested in our community. I have many good memories from those years and have formed lifelong relationships.

I would say that I identify with most parts of Zoroastrianism, some more than others. I consider "good thoughts, good words, and good deeds" to be at the center of my personal mantra. I often reflect on Zoroastrianism's idea of "the good mind" and our ability as humans to make good choices using our own intellect rather than following someone else's prescription for our lives. I identify strongly with the way Zoroastrians all through history have valued the environment and education, and am proud that we have an overwhelming track record of equality between men and women with some notable exceptions. I hope that one day women will be welcomed as priests, and will not be turned away from sacred spaces at any time. I also identify with the idea of "community" within Zoroastrianism. I like that Zoroastrian families are typically warm and friendly and reach out to help one another when in need. I like the aroma of the foods and I enjoy the classic Parsi jokes. I

am somewhat more neutral when it comes to the more ritualistic aspects of Zoroastrianism — I think the prayers and rituals are beautiful and can help bring peace of mind at the right time to a given individual, and I did choose to have a Zoroastrian ceremony at my wedding. But overall I would say that it is less of a focus in my life right now compared with the moral and cultural aspects of Zoroastrianism.

I think the future of Zoroastrianism will depend on how open the community is to new ideas and flexibility in the religion. When I hear members of the religion saying that we should only marry within the religion, or that the religion must be followed in a very specific way or else it is not truly Zoroastrianism, I feel they are out of touch with the reality of the younger generation. I think that all religions evolve over time, depending on their social and geographic context, and it is important to recognize that. In my opinion, people should be able to practice in whatever way best suits them. Overall though, I think

many members of the community do have modern views and would be willing to listen to the younger generation. And often it is the younger generation who has difficulty finding the time to get involved and staying connected because we are so stretched with other responsibilities, are geographically scattered, and are few in numbers. Regardless, I hope that I am one day able to give back to society in a

similar way that members of the ZAMWI community have given to us.



Vivian Harvey (née Cooper) was born and raised in Northern Virginia and attended the ZAMWI Sunday School youth group throughout her childhood. She earned a Bachelor of Science degree in Biology with a minor in Hispanic Studies at the College of William & Mary in Williamsburg, VA. She currently lives with her husband in Chicago, IL and is beginning her final year of medical school at Rosalind Franklin University of Science and Medicine. She is passionate about science, social justice, and the intersection of different cultures (she speaks Spanish fluently). She intends to practice medicine on the front lines of society with a focus on urban underserved communities.

Z Camp 2017 Goes to Santa Barbara

Hilda Kasravi

Growing up I vividly remember the excitement that would take over me days before the start of a Zoroastrian camp. Whether it was Winter Camp, Firdaus' Camp, or San Jose Camp each one was an opportunity to make new friends and memories.

This year, three of the most dedicated and passionate Zoroastrian women, Mandana Pishdadi, Mitra Dinyari, and Fariba Pirghaibi (or as the campers called them, "The Khalehs"), organized a summer camp in Santa Barbara. Now before I get into the events of the camp, I first wanted to thank these inspirational women. All three of these Khalehs have done much for the Zoroastrian Community, from teaching ethics classes at Mabed every Sunday to organizing camps and social gatherings to promote Zoroastrianism in our community. The Khalehs all have children who are now older and no longer attend Z Camps or Sunday classes at mahbed, but they have remained dedicated Zoroastrians who want to renew this existence and encourage the youth to practice Zoroastrianism on a day to day basis. I am one of those youths who was a student in the Khalehs' ethics classes and a participant of the Khalehs' social gatherings. I have so much love for these women and I genuinely find them to be an inspiration. Because of all they have done I carry certain values that help me to be a better Zoroastrian and thus, a better human being. So, thank you Khaleh Mandana, Khaleh Mitra, and Khaleh Fariba for being great models of our religion and your actions truly do make a difference.

I knew one day it would be my turn to give back to our community so, when the Khalehs asked whether I would be a counselor for this year's camp I happily agreed to do so. Other counselors included: Arman Mazdiyasn, Aryana Keshvar Behmardian, Khodayar Goshtasbi, Shayan Merstahi, and Shirin Asgari. The six of us were responsible in ensuring that all 48 of our campers have a good time (and probably to return home without losing anyone). We wanted to give to our campers the same excitement and fun that we had growing up at the Z Camps.

Can I just first say how nice kids this generation have it when they go "camping." The campsite provided us with cabins, prepped meals for us, and campsite workers would even do our dishes. Back at Firdaus' camps, we slept in tents (which we pitched ourselves), washed our own dishes, and were expected to clean our tents every morning. Regardless, the camping part was not much of a challenge. The real challenge began when teams were formed and the games had begun. One game in

particular that got all the campers in a competitive mood was the Amazing Race- Z Edition. Various obstacles were set up and teams were expected to cooperatively complete all of the stations. One thing that was emphasized during this challenge was to follow the path of asha and to complete the race without cheating. Now the adults knew that it is only natural for kids to want to do whatever it takes to get first place; however, we had to ensure that the game was played fairly. As a counselor, my competitive side definitely took over me as well, but I knew I had to lead by example and ensure that my campers played the game using their "vohuman" (good mind) because only then is the victory that much more meaningful.

Aside from playing games, we were beyond grateful to have had Mobed Fariborz Shahzadi drive all the way up to Santa Barbara to provide our campers with more insight into the Zoroastrian religion. With enthusiasm, passion, and some candy, the Mobed really captured these kids' attention in the teachings of Zoroaster. Every Z Camp makes it a point to teach the values and beliefs of Zoroastrianism but, our future generations can better practice our religion if teachings are stimulating and applicable to their lives. So, thank you Mobed Fariborz for making learning fun!

In the end, I volunteered to be a counselor because I felt as though it was my turn to give back to the community and by giving back I gained lifelong memories and new friends. I take pride in being a part of such a wonderful community and I hope our Z youth also realize how unique our community is. The friends they make at these camps can become lifelong friends and the memories they create will forever bring them happiness. Thank you to all the organizers of this camp and thank you campers for taking part in such a memorable event!



Hilda Kasravi is 23 years old and is from Huntington Beach, California. She recently received her Masters in Education and Teaching Credential from the University of California, Irvine. Hilda also has her Bachelor's Degree in both Education and Business Economics. Hilda hopes to pursue a career as an elementary school since she is very passionate about making a difference in the future generation. Hilda's other interests include playing volleyball and doing yoga.

Ask Nahid

Dear Nahid,
What do Zoroastrians think about Global Climate Change?
Nilufar

Dear Nilufar,

Religion and nature. How can a concept and a science be reconciled into one common thread? One you see and the other you feel. This is something I find incredibly fascinating about our religion. The environment and our religious practices have always been so closely intertwined and in fact reliant upon each other. As Zoroastrians we absolutely believe in taking care of our environment to the point that it affects our practices.

To truly understand how Zoroastrianism values the climate change conversation, we need to flip the concept from how do we impact our environment to how our environment impacts us. In the very basic principles of our religion, caring for one's local environment is a valuable aspect of daily life. How farmers farm. How animals graze. How seasons change our living patterns. In the Gathas and in our daily rituals and celebrations we thank, praise, appreciate, and rely on our environments and the animals, crops, and weather that give us sustenance.

Our religion influences our impact on the local climate and environment around us. Every year we grow grass for our new year's tables and hope they grow fuller when placed in a park on the 13th day. The Sedreh and Koshti we wear are made out of animal wool and cotton. The harvest festival of Mehregan shares crops so the community grows and survives together. We refrain from eating meat 4 days out of the month to respect animals for the livelihood they provide us.

Zoroastrian celebrations and gatherings have been centered on the Earth's rotation around the Sun. Our Ghambar's, New Year's Day, Mehregan, Yalda, Sadeh, all hinge on the solar or lunar rotation of our planet. Depending on what the hottest day of the year is, or when the snow is meant to be at the worst, our festivals and practices have been marked by our environment and climate.

Global changes absolutely affect not only our physical being but especially as Zoroastrians, our spiritual and social being as well. Our celebrations are now off – winter now falls a little later than usual, or is not as long as it used to be. Summer is not only hotter but things start warming up earlier. Crops grow on different times. We are adapting to these changes, however Zoroastrianism promotes and relies on sustainability.

There is a current debate on the effects of mankind's technological and mechanical progress on the environmental stability of the planet. Scientists, politicians, private businesses, and private citizens are all taking a stake in the climate conversation. Some say we are negatively changing the planet with every mile driven on fossil fuels and others say there is so much more we can do with the resources deep within our planet's crust.

Regardless where you stand on the politics of Climate Change – as a Zoroastrian we believe that the planet is worth protecting from damage. All actions that use any part of this soil, water, and air should be respectful and if possible replenished. As the conversation about climate change grows and gets louder, it is important to join that debate. Share your views and opinions that stem from a religion that respects leaving an environment in better condition than you received it.



Nahid Dashtaki completed her master's in both Dispute Resolution and Public Policy from Pepperdine University. She has received two Bachelor of Science degrees in International Relations and Comparative Literature from the University of California, Irvine along with extensive international work experience in the Middle East and Asia. She continues her work with mediation and conflict resolutions at Los Angeles World Airports.

[Over] Shoot!



Roya Behmardian

was born and raised in Southern California. She has attended CZC's Persian and religious classes all through her childhood. She graduated from UCI with a Masters of Art in teaching.

Someone accidentally walks into a beehive, and we all foresee that it's pretty much bad news ahead. For story-time purposes, let's call that person Herosh. Herosh is now engulfed by a swarm of bees, and the only thing he can think to do is run away. He keeps getting stung, so much so that he loses track of how many times it hurts. After some time, it seems as if each individual bee becomes less and less significant, as they all start to just blend in with one another.

Repeatedly getting stung, and constantly being struck with things that make us feel sad or shocked or even hurt has a somewhat evolutionary effect—eventually, all we really feel is unintended immunity.

That's the thing about bad news, we live in a time where information is so overtly accessible, that it's difficult not to become jaded by it. Hour after hour, it's sting after sting so much so that we become used to it. Sooner or later, we either stop being effected by each individual incident, turn off the news, or stop reading that article and find something else to do instead. Much like Herosh did, and in his case rightfully so, we run away because it's the only thing we can do to keep our own sanity.

I've been running away; I know I shouldn't, but I have. There are so many important stories that need to be heard, and as hard as it is, I'm just starting to understand that it's our responsibility to respond appropriately to what is going on in the world—despite how habitual it's all become. It wasn't until very recently, as I was scrolling through some article headlines, that I started to realize how I'm not paying enough attention.

"August 2nd, 2017 Today is Earth Overshoot Day!" the article I read. It sounded like some sort of celebration, perhaps an Earth Day Part 2, so I eagerly continued reading.

Though, it soon became very clear that August 2nd was not a day to be celebrating. Earth Overshoot Day is "the day by which the human race has used up more natural resources that can be replenished in a year" (Gaffey, 2017).

Every year, we're allotted a sort of natural resources budget, and we've already exhausted that budget before the year has been completed—and August 2nd is the earliest day it has ever been. This means that in seven months, we emitted more carbon than the oceans and forest can absorb in a year, we caught more fish, felled more trees, harvested more, and consumed more water than the Earth was able to produce in

the same period" (Revesz, 2017).

I can't even fathom what the implications of this may be; it feels like we're leaving a huge mess for future generations to clean up, and we don't even know if they'll be able to survive it. It's like using a credit card to buy all these expensive items, all the while knowing that we won't be able to pay it back. I then saw a graph that told the same disheartening story about how unsustainable the way we live is; it's included here.

Disappointingly, what saddened me the most while learning about Earth Overshoot Day was that it didn't surprise me at all—it was upsetting, but it wasn't shocking. Most of us are aware of global warming, we've watched *An Inconvenient Truth*, we've seen pollution first hand, and we know that some of the choices being made around the world do more damage to the Earth than it can handle. This is our home; every place, whether perceived as beautiful or not, and every person and thing we love call it their home too—we are all accountable, and we can thank everything we have, and everything we are, to the very place we're slowly destroying.

It's now more than ever that I admire people who advocate for the environment, may it be through being personally conscientious or educating others, because as much as I'd hate to admit it, I definitely haven't been doing my part to help the environment to the extent that I could be.

Feeling jaded, and being exposed to so many saddening truths all the time is difficult, but it can't be an excuse for complacency any more—especially in this case.

This article was another piece of bad news, but somehow, to just sympathize with the story and then move on with my life carelessly feels wrong. It feels like I need to step it up and start responding in a way that somehow, even in the smallest of way, helps. That sounds so generic, but that's kind of the point. There are so many ways that each of us can improve our world, there are so many causes that we can get behind (quick shout out to the bees I mentioned earlier, they're going extinct around the world and need help), and it's our responsibility to embrace the opportunities that resonate the most with what we care about.

Environmental awareness is unique in that it applies to everybody, and it's inherently our responsibility. This is coming from someone who is only just beginning to understand how important it is to be conscious of my own ecological footprint. I am no expert, but I have been motivated by some inspirational people close to me that live their life with this mantra-and it's time I start doing more, it's time I start paying more attention.

Keep in mind that though living in a world with constant access to information feels like being bombarded, it's also an immense blessing because learning has never been more convenient than it is today. I can sit here and share research I've found about how to be more green, but so can you. Now more than ever, we need to make ourselves aware of what's going on in the world, and to then actively discover what we can do to make it better—not only for ourselves, but for every generation that follows.



Introduction to the Gathas is a Zartoshti Studies class at CZC-LA taught to students in grades 4-6.

In the school year 2016-17 students learned about Cyrus the Great and his influence both in the ancient and modern world. Our two 6th graders Shania Ghassemi and Donya Manochehri have both written articles conveying Cyrus' influence in addition to his connection to the the Gathas. It's been a pleasure that our lesson this year has coincided with the presentation of the Cyrus sculpture in Century City, Los Angles. We hope that we would witness more individuals such as Cyrus II in modern world history.

Artemis Javanshir

Zarathushtra and Cyrus the Great

Shania Ghassemi

The Zoroastrian religion goes back a long time, and has had tons of influences on our world. For example, take The US Declaration of Independence, ever wonder where that came from? Well, in the Zoroastrian religion, the Gathas a book of holy and sacred songs had set a stable ground for the next upcoming changes to grow off of. Cyrus the Great was very much influenced by the Zoroastrian religion. One of the reasons why we know this is because in the Gathas it states very similar things as Cyrus states on his Cylinder. For example, they both state the topic of freedom of choice. This is supported by song 3 stanza 2, "Hear the best with your ears and ponder with your bright mind. Then each man or women, for his or her self, select either of the [following] two..." This quote explains how Zarathustra (the person who wrote the Gathas) believed in freedom of choice for both men and women, and that you with your own mind are free to choose for yourself. Cyrus also freed the slaves, declared that all people had the right to choose their own religion and the place they want to live. We can easily see this in Article 4 of UN Human Bill of Rights which abolishes all slavery and in Article 3 which gives equal rights to all humans regardless of their religion, sex, etc. It is no wonder that the Cyrus Cylinder is named the first Human Bill of Rights.

Cyrus played as a role model to the founding fathers, one of them being Thomas Jefferson. The founding fathers looked to Cyrus because he was the first person who had to rule over people with different languages, cultural background, and religious beliefs and the founder father faced the same challenges. United States was comprised of immigrants from all over the world looking for individual freedom exactly what Cyrus aimed to implement in his kingdom. From the Cyrus Cylinder, came the US Declaration of Independence which in part states, "...all men are created equal, that they are endowed by their Creator with certain unalienable rights, that among these are Life, Liberty, and pursuit of Happiness.." Cyrus was named Libertarian



because he believed in individual freedom. A strong base of Zoroastrian religion also lays on individual freedom and free will. Each stage of growth has had a huge impact on us today. It's what gave us human rights. The Gathas, The US human bill of rights, the Cyrus cylinder, and the US Declaration of Independence all talk about how men were made the same way, and to be righteous with the privileges you receive. "The best shall come to the wise person who will propagate my true thought provoking message. It leads to righteousness for wholesome and immortality..."(song 4 stanza 6). It says what Zarathushtra and Cyrus hope, that with the freedom you are given, the happiness will come to the one who uses the righteous and wise advice. In present day America human rights have not been striving as imagined. We have come a long way but we are still trying to for fill all aspects of human rights.



My name is **Shania Ghassemi**, I am 12 years, and I will be going into the 7th grade this fall. My after school hobbies consist of, playing basketball, playing the harp, and playing the flute. I go to my local Zoroastrian center in the valley, where I, a Zoroastrian, enjoy learning about the Zoroastrian religion and much more.

First Human Rights Declaration

Donya Manochehri

The first human Bill of Rights known as the Cyrus Cylinder was by Cyrus the Great, the king of the Achaemenid Persian Empire. Cyrus had been influenced by Zoroastrian religion. United States founding fathers were influenced by the Cyrus Cylinder and wrote the constitution. The similarities between what the Gathas teaches us to what is written in the Cyrus Cylinder, the constitution, and the UN Human Bill of Right is what I hope to briefly discuss. Zoroastrian religion gives freedom to each person to individually choose his/her own path and one can see this all over the Gathas. For example song 4 Stanza 11 states, "O wise One, at the beginning, You, through your mind, fashioned for us the living world, conceptions and intellects, put life in the physical frame, and gave deeds and words, so that one makes his choice through free will." This connects the Cyrus Cylinder to the Gathas because; Cyrus freed the slaves, gave freedom of religion to everyone or in short gave individual freedom. At an age when leaders conquering a land would burn the city and take its inhabitants into slavery, we have a Persian king who liberates rather than enslaves which is in tune with Zarathustra's teaching. The Cyrus cylinder influenced the United States' Founding Fathers. When they gathered to write the Constitution, they looked to Cyrus who ruled a liberated empire that included people from different cultures, religions, and languages, they wrote the constitution so that everyone in the United States who have come from different corners of the world could choose their own faith and path and have their own language, tradition, and religion. The Xenophon's Cyropaedia about Cyrus was read by the US founding father Thomas Jefferson and he told his family and grandson to read it and he spread the word so that people would know its purpose since it inspired him so much. The UN Human Bill of Rights states "All human beings are born free and equal in dignity and rights. They are endowed with reason and conscience and should act towards one another in a spirit of brotherhood". This explains that everyone is equal and has freedom no matter what their religion is and they can believe in and have traditions of their own. The constitution has established America's national government and fundamental laws and guarantees certain basic rights for



all of the citizens to live and practice their beliefs freely. It also stated that the United States shall guarantee every state in this union a republican form of government and shall protect each of them against invasion and against violence. This is all in line with Cyrus' beliefs because he gave freedom to everyone, let them follow their own path and find their own faith, and protect everyone from invasion and war and gave peace. About 2600 years ago a Persian king influenced by the Gathas and Zarathustra brought to the world something that we are using as a guiding light not only for us but for all nations. Today the world is still struggling with giving individual freedoms by treating people differently because of their skin color, sexual preference, or religion for example. If people and national leaders would follow the Gathas maybe individual freedom would shine everywhere. Today the world has become better and doesn't judge people as much anymore because of the great laws, the constitution, the Cyrus Cylinder, and the UN human Bill of Rights.



Donya Manochehri is 12 years old born in Seattle ,Washington and currently living in Southern California. She enjoys cooking, singing and building things in addition to spending time with her family and her dog Bella.



Congratulations

Post graduate degrees

Artin Baghkhani
M.S. Economics (With Financial
Emphasis)
California State Polytechnic
University
Pomona, California

Yasna Behmardi
M.S. Bioengineering
San Diego State University

Parisa Bozorgchami
M.S. Civil Engineering
University Of California, Los Angeles

Farnaz Famarzi
Dr. of Optometry
Western University of Health
Sciences
Pomona, California

Hilda Kasravi
M.A. Teaching
University of California, Irvine

Ashkahn Zomorodi
Doctor of Osteopathic medicine
Nova Southeastern University
Davie, Florida

Diba Zomorodi
Masters in Biotechnology
Georgetown University
Washington, D.C

Postgraduate admissions

Shirin Asgari
School of Optometry
Western University of Health Sciences
Pomona, California

Nusheen Goshtasbi
Physician Assistant
Yale University
New Haven, Connecticut

Omead Pooladzandi
Electrical Engineering
University of California, Los Angeles

Garshasb Soroosh
School of Medicine
Johns Hopkins University
Baltimore, Maryland

Farin Yazdani
School of Medicine
Virginia Commonwealth University
Richmond, Virginia

Graduate degrees

Roya Azarkeyvan
B.A. Political Economy
University of California, Berkeley

Herosh Jozavi
B.S. Computer Science
California State University, Long
Beach

Sarah Kasravi
B.S. Psychology
University of California, Los Angeles

Mahbanoo Kohnouri
B.A Women Studies (minor in Human
Resources)
California State University, Long Beach

Omead Pooladzandi
B.S. Electrical Engineering
University of California, Irvine

Nastaran Pourdehmobed
B.S. Physical therapy - medical science
California state University Fullerton

Garshasb Soroosh
B.S. Biology (Physiology and
Neurobiology Concentration)
University of Maryland, College Park

Undergraduate admissions

Arya Namiranian
Kinesiology
California State University, East Bay

Parisa Namiranian
Undecided/ Undeclared
University of California, Irvine

Camellia Nosrat
Cognitive Science
University of California, Davis